

هم یک مخاطب صریحی داشتند هرگز به آن نقطه که هوایش باهوای اصفهان خبلی فرق دارد و مخالف حفظ الصحوه است و یقیناً در ذمتوخوشی هستند نمی‌رفتند موتوواری نمی‌شدند البته وظیفه دولت است که از اینها نگاهداری بکنند والا اگر چندی باین منوال بگذرد همه صورت هم خواهیم شد.

رئیس - جلسه را که زودتر منعقد کردیم برای این بود که شبهای چندان امتداد نداشته باشد اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم نمایم جلسه آنیه روز پنجشنبه سه ساعت بغروب مانده دستور هم اولاقیه شود اول همین لایحه که الان مطرح بود ثانیاً بقیه شود در قانون شورای عالی معارف خواهد بود.

(مجلس دو ساعت و نیم از شب کنده شده ختم شد)

رئیس مجلس شورای عالی مومن‌الملک
جلسه ۷۴

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه یازدهم حوت مزارو سبصد مطابق دوم ربیع‌الثانی و سیصد چهل مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب در تخت‌رباست آقای مومن‌الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم سه شنبه ۹ حوت را آقای ندین فرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراض هست یا بست ؟

(ایرادی نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. دستور امروز چنانچه گفته شد: بقیه شور دوم در قانون العاق دود کارون و شور اول در قانون العاق دود کارون بزاینده رو داست و ای چند فقره رایورت از کمیسیون بودجه رسیده که مدتی است معطل و بلا تکلیف است اگر مخالفی این دستور از قرائت شود و در آن‌ها رأی نباشد بدوآ قرائت شود و در آن‌ها رأی گرفته شود بعد داخل دستور شویم یک فقره تقاضای وجه است از بابت سهم شرکت دولت ایران در جامعه ممل نسبت نسبت بسال ۱۹۲۱ و دیگری تقاضای شهرهزار و سیصد و شصت توان کسری بابت قیمت مخابرات تلگرافی وزارت مالیه در این باب مخالفی نیست ؟

(اظهار مخالفتی نشد)

و آقای سهام‌السلطان رایرت کمیسیون بودجه راجع بخارج جامعه ممل و این بضمون ذیل فرائت نمودند کمیسیون بودجه در جلسه دوم حوت (۱۳۰۰) خود لایحه‌مورخه (۲۰) برج دلو دلو را راجع بهم مخارج سالیانه جامعه ممل را تنهای مطالعه در آورده و مبلغ یکصد و بیست و پنجهزار فرانک طلای سویس باش سهم سنه (۱۹۲۱) را تصویب مینماید ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است

هیچ اراضی بایرام یزد عی نیست و اراضی اطراف زاینده رود هم بواسطه بی‌آبی زراعت نمی‌شود و فقط از آن اراضی و املاک جز یک‌مقدار نوشتگات که در نزد صاحبانش می‌باشد و یک قلعه خرابه و چیز دیگر باقی نمانده و تمام رعایای آن‌جا بواسطه نشست سالی و بی‌آبی متواتری شده‌اند و علت دیگر ندارد و بطوری‌که بنده تعیق کرده‌ام دو ثلث عملیات اداره نقطع جنوب از همان رعایای اصفهان هستند که نتوانسته اند در اصفهان زیست کنند و به آن‌جا رفته مشغول عمله کمی شده‌اند و در این‌جا بقیه آب‌های این آب مجزائی غیر از مجرای زاینده رود ندارد و زاینده رود هم تقسیمات اساسی است و مرحوم شیخ بهائی معن کرده و گمان می‌کنم خبلی عملی و سمعی باشد منتهی شرعاً هم همین‌طور است و قتی که در بالا به آب محتاج باشند بیان نمی‌رسد ولی همین‌قدر خاطر آقایان را متن‌کردم که می‌کنم که از این آب کارون باید بقدر کفايت خواهد بود و تقسیم لازم نمی‌شود اما این‌که فرمودند سبب این‌که آب بیان نمی‌رسد این کار را تمام بکند باین جهت تا امروز می‌کارند.

گمان می‌کنم با این‌که در زمان شاه - هیا در آن‌جاها شلتوك کاری نمی‌شد باز هم آب کم بوده و دلیلش هم همین است که مرحوم شاه هیا می‌خواست کارون را ضمیمه رودخانه‌زاینده رود کند در خانه‌هی عرض می‌کنم راجع بمخارج و تقسیم آب بقدر کفايت صحبت شده و آقایانی‌که از املاک اصفهان اطلاع دارند تصدیق می‌فرمایند مالیات‌نقدی اصفهان بالغ بر سیصد و شصت هزار توان است و در هیچ‌سال (در این مدتی که بنده در نظر دارم) بیش از سالی دویست تا دویست و چهل هزار توان وصول نشده و داشته‌اند دولت در ظرف مدت هانزده سال بیرون دارد.

این عدم وصول را شاید آقایان تصویر بفرمایند بواسطه بی‌بالاتی مأمورین مایه بوده و رعایا بخیر این‌طور نیست این‌بقایای لاوصولی فقط مالیات املاکی است که از خشک سالی از بین رفته و فقط در کتابچه دولتی اسمی از آنها باقی است و اصلاح وجود خارجی ندارد و بعینده بنده در سال اولی که این آب با اصفهان بیاید شاید تمام مالیات چزو جمیع اصفهان وصول خواهد شد و از یک دویست هزار توان موهوم که رعایا می‌خواهند سالی چهارده هزار توان آنرا از بابت مالیات حساب کنند سالی صدوسی از بابت مالیات حساب کنند سالی صدوسی هزار توان فرمودند اگر مخارج از سیصد هزار توان زیادتر بشود چه خواهد شد هرچند می‌کنم که در چندی دوسته نقره‌مندس روسی که تفصیل آن مفصل است و برآورد کردن و مخارج آن را مطابق صورتی که نوشتند در این حدود ۴۰۰ هزار توان همین نموده‌اند و البته میدانید و قتیکه مهندسین خارجه این چیزها را برآورد می‌کنند نسبت به مالیات و بعضی چیزها و اجرت و مخارج را زیادتر حساب می‌کنند ولا بد صد هزار توان بشتر مخارج را معین کرده‌اند پس در این صورت گمان می‌کنم بیشتر از سیصد هزار توان خرج ندارد و این‌که راجع به همه متفرق شده و در معدن فقط جنوب کار می‌کنند باید بنماید.

در صورتی‌که آن بیچاره‌ها هم‌صاحب ملک و صاحب هم چیز بوده‌اند و اگر باز

هم توضیع بفرمایند.

رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

حاج امین التجار - قبل خدمت آقایان باید عرض کنم که مسئله العاق آب کارون بزاینده رود مسئله‌ای نیست که امرورز محل توجه اهالی اصفهان و احتیاج آن‌ها واقع شده باشد بلکه مسئله‌ای است که از قدیم باین خیال بوده‌اند و اگر به تاریخ رجوع فرمایید می‌بینید شاه عباس مرحوم از سیصد سال قبل اقدام باین امر نموده و بحضوری‌که در تواریخ می‌نویسد چهل روز در آن محل برای بربدن کوه و آوردن آب کارون بزاینده رود اقامت کرده و شاید مبالغ خطيیری هم به صرف رسیده و از حيث مهندس هم ابتدا آنوقت از آثار و همارانی که فعل از سلطان صفوی بافو است معلوم نمی‌شود مهندسین قابلی هم بوده اند و در آن‌جا نقطه ای را اختیار کرده و مشغول عملیات هده‌اند و یک قسمی از کار را انجام داده‌اند منتهی چون در اوخر سلطنت شاه عباس بوده و عمر او کفاف نداده که این کار را تمام بکند باین جهت تا امروز این کار بحال خود باقی است و بینده عرض می‌کنم که ما باید خبلی متشرک باشیم و اسباب افتخار ما است که در مجلس دوره چهارم یک کاری را که یکی از سلطان عظیم الشأن ایران اقدام کرده تصویب می‌شود که برای انجام آن اقدام شود اما شرحی که آقای رئیس التجار درخصوص پول دادن و مخارج کردن فرمودند لازماً است هرچند چنانکه در کمیسیونم مذاکره شد این دویست هزار توان را که مقرر داشته‌اند دولت در ظرف مدت هانزده سال بیرون دارد.

البته یک متفقی برای دولت در نظر

گرفته و این بینهادرا کرده اند چنانچه آب پیرون نماید هیچ وقت اهالی اصفهان حاضر نیستند یک همچو یولی را داده بودند اما این‌که فرمودند اگر مخارج از سیصد هزار توان زیادتر بشود چه خواهد شد هرچند می‌کنم که در چندی دوسته نقره‌مندس روسی که تفصیل آن مفصل است و برآورد کردن اهالی اصفهان آنرا جبران کنند و بنده در این باب بینهادی کرده تقدیم مجلس میدارم اگرچه گمان می‌کنم خود اهالی اصفهان‌همین همین نظر را داشته باشند عرض دیگر آنکه مجلس رأی داده دویست هم از دولت در خود داشته باشد و این عیب دیگر راجع بخسارانی است که ممکن است به محل های دیگری وارد آید.

حاج شیخ اسد‌الله - بنده مخالف رئیس - بفرمایید

حاج شیخ اسد‌الله - بنده از نقطه نظر قانونی یک نظری دارم و تصویر می‌کنم که مجلس نتواند رأی بدهد که چند دستور گذاشته بشود زیرا بدون اینکه مسئله احتیاج را اجرا کنم بیش از چهل هزار می‌بینم و باید بفرمایید که این مذکور ممکن است جواب بگویند که چون مجلس رأی داده می‌توانیم مذاکره کنیم ولی گمان می‌کنم این رأی برخلاف ترتیب بوده است و چون این یک اعتباری است که از طرف دولت برای مغارج خواسته شده باشد باید بروز کمیسیون بودجه و از آنجا باید به مجلس بیاید حالاً چون مجلس رأی داده است و بینهاده داشتند داخل مذاکره بشوند بنده هم عرض می‌کنم این رایورت را بقسمی که نوشته شده است ناقص میدانم و همانطور که آقای رئیس التجار فرمودند مجلس رأی میدهد که دولت دویست هزار توان از قرض کرده و خرج کند تا آب کارون بزاینده رود ملحق شود در صورتی که برای دولت هیچ نفعی در این‌جا ملاحظه نشده مگر این‌که همانطور که بنده بینهاده کرده شد و مهندسین مذاکره شدند از اینجاهم مذاکره شد پس از این کار را تمام بکند باین جهت تا امروز می‌کنم که همان‌طور که بینهاده عرض می‌کنم این کار بحال خود باقی است و بینده عرض شود که برای انجام آن اقدام شود اما شرحی که آقای رئیس التجار درخصوص پول دادن و مخارج کردن فرمودند لازماً است هرچند چنانکه در کمیسیونم مذاکره شد این دویست هزار توان را که مقرر داشته‌اند دولت در ظرف مدت هانزده سال بیرون دارد.

در رایورتی که کمیسیون داده ذکر می‌کند مشروط بر این‌که خسارات غیرقابل جبران واقع نشود ولی اگر قابل جبران بود چه حالی دارد ؟ در این رایورت راجع باین مطلب ذکری نشده.

بعقیده بنده اگر غیرقابل جبران شد که باید اهالی اصفهان را از این خیال منصرف نمود ولی اگر قابل جبران شد یعنی یک خساراتی از مجرای آب به محلهای دیگر واقع شود که بشود جبران کرده‌الله باید اهالی اصفهان آنرا جبران کنند و بنده در این باب بینهادی کرده تقدیم مجلس میدارم اگرچه گمان می‌کنم خود اهالی اصفهان‌همین همین نظر را داشته باشند عرض دیگر آنکه مجلس رأی داده دویست هم از دولت در خود داشته باشد و این عیب دیگر راجع بخسارانی است که ممکن است به محل های دیگری وارد آید.

دوزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

رئیس — آفای حاج میرزا علی-محمد مخالفید؟

حاج میرزا علی محمد بلی

رئیس — بفرمانیده

حاج میرزا علی محمد میفرمانیده بایست

و یکهزار تومن و کسری مخارج تلگرافی وزارت مالیه شده می خواستم سوال کنم

که آبا کمیسیون بصورت جزء این مخارج رسیدگی کرده و آن بازده هزار تومن

را تصویب کرده است که حالا می خواهد این شههزار تومن و کسری راهنمایی را

که باید یا خیر؟ اگر میفرمانیده این یک

مخالفی است که نصفش را هشت دولت سابق تصویب کرد و نصف دیگر را

ما تصویب کنیم این یک تصویب کور کورانه است که این توائم بآن رأی بدھیم و اگر این

بازده هزار تومن تصویبی هشت ورزاء است و فقط این شههزار تومن تصویب

نشده بندۀ عرض می کنم ما از مخارجی که

هشت دولت سابق کرده اند از هیچیک اطلاعی نداریم و نمی توائیم مسئولیت آن

را عهده دار شویم فقط مخارج تلگرافی که از تاریخ افتتاح مجلس بعد بوزارت

مالیه تعلق گرفته است و در بودن مجلس مخابرات تلگرافی نموده صورت جزء آن را بکمیسیون باید بپاورند و همان مبلغ اعتبار

باید بوزارت مالیه داده شود

ولی بدون اینکه این رهایت ها بشود ما نمی توائیم بمخارجی که کابینه سابق

نموده اندر رأی بدھیم

سهام السلطنه منشی کمیسیون — این کفرمودن رسیدگی بجزء های آن مطابق

هزار تومن شده جزء های آن مطابق تلگرافی است که از طرف وزارت مالیه

مخابره نشده و ماه بهام صورت آن را بوزارت مالیه فرستاده اند و تصویبی کمیسیون هم بوجب صورت هائی بوده

کوزارت مالیه و وزارت پست و تلگراف بوده است و کلیه اعتباری که دولت در

سنّه ییچی بیل برای مخابرات تلگراف وزارت مالیه تصویب نمی شود بازده هزار

هزار تومن بوده و هلاوه بر آن مبلغ که

منظور شود بوجب صورتهای موجودش هزار و شصت و کسری تومن مخابره

تلگرافی شده حالا کداداره تلگرافانه می خواهد صورت جمع و خرج خود را مرتب

کند. البته باید این خرج بوجب یک تصویب نامه یا یک اداره نامه باشد که تواند بخرج

وزارت بپاورد و چون دولت بدون تصویب مجلس نمی تواند هیچ کونه خرجی را چهار

بندۀ این مبلغ را بیشنها کرده است که از طرف مجلس تصویب شود که خرج وزارت

پست و تلگراف باید و هیچ بولی در این بین

دادو ستدنخواهد شد

رئیس — آفای حائزی زاده باید مخالف

بیچی بیل وزارت مالیه بیست و یکهزار و

شصده و هفت تومان و نه قران و بینجهام

دینار مخابرات کرده اند و شش هزار و

شصده و شصت و هفت تومان و نه قران و بینجهام

دینار هلاوه بر آن وجهی است که در بودجه

معین شده و چون وزارت پست و تلگراف

برای این بقیه سنّه خرجی ندارد که بحساب

خدوشان بگذارند اند اتصویب این مبلغ را تلقانها

کرده اند که در جزو حساب خود محسوب

دارند و الچیز دستی داده نخواهد شد

رئیس — آفای محمد هاشم میرزا

مخالفیست؟

محمد هاشم میرزا — خیره موافق

رئیس — آفای حاج شیخ اسدالله

مخالفیست؟

حاج شیخ اسدالله — موافق

رئیس — آفای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو — بندۀ این جا

خوانده ام که این مبلغ راجع به اعتبار

مخابرات تلگرافی است که بوزارت مالیه

داده شده است و توضیحاتی که آفای مخبر

دادند چیز تازه‌ای نبوده که بندۀ را فانع

کنند بندۀ هر ض می کنم اساساً این یک

حساب‌جاري بوده است که دو وزارت خانه

با هم داشته اندو تصویب مجلس در یک

جزئی از اجزاء بودجه یک وزارت خانه

که نهاده هر ض می کنم اساساً این یک

مادر جزئیاتش مداخله کنیم؟

رئیس — آفای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا — بندۀ عرض

می کنم این اعتراض را آفای ارباب می-

فرمایند مخارجی را که از کلش خبر نداریم

نباید در جزئیات آن مداخله کنیم. بندۀ

کامل‌اً منطقی نمی دانم چون ما موظف

هستیم بجز و جزو مخارج مملکت رسیدگی

کنیم حالا می خواهد در یک جزو آن

باشد یاد رهار جزء آن و فعلاً این شش

هزار و کسری که یک جزو آنست مجلس

آورد اند ما نباید آن را رد کنیم از برای

این که تمامش نیامده است بعلاوه تصویب

این مبلغ دلالت ندارد بر این که ما

تمام بودجه بیچی بیل را تصویب کرده‌ایم

و این راهم هر ض می کنم برفرض کما رأی

ندھیم وزارت پست و تلگراف این مبلغ

را از دفتر خودش خارج و از وزارت مالیه

مطابه خواهد کرد و وزارت مالیه هم خواهد

برداخت چه ما رأی بدھیم و چه ما رای

ندھیم و رأی دادن و ندادن آن برای ما

هیچ ضرری نخواهد داشت

ولی یک وظیفه که از خصایص مجلس

شورای ملی است نباید از دست داد.

صادق طباطبائی حاج میرزا تقی نائبی

رئیس التجار — معتمدالسلطنه —

دکتر لقمان-صممام‌السلطنه-سردارجنك

نصیر دیوان. حائزی زاده — میرزا سید

حسن کاشانی-سهام‌السلطنه-بیان‌الدوله-

سید محمد تدین — فتح‌الدوله — عمار —

السلطنه خراسانی — شیعی‌الاسلام اصفهانی — معهوق —

امین الشریعه - غضنفرخان - امین‌التجار —

وقارالملک

(اسمی رد کنندگان)

آفایان سردار معظم کردستانی —

سید یعقوب-حاج میرزا علی محمد

آبادی حاج میرزا عبدالوهاب-سید فاضل

کاشانی — شیعی‌الاسلام اصفهانی — معهوق —

العلماء سعدی — سليمان میرزا میرزا اطاهر

تنکابنی — بیان‌الملک — آقا میرزا هاشم

آشتیانی — آقا میرزا علی کازرانی

رئیس — رایورت دیگر قرائت می-

شود

(آفای سهام‌السلطنه هشی کمیسیون —

چون سهم متعلق به سنه ۱۹۲۲ در جزو

بودجه سنه آتبیه وزارت خارجه تصویب شده

بود در اینجا از آن ذکری نشده ولی مخارج

سنه ۱۹۲۱ منتظر نشده بود کمیسیون

بودجه بوجب این رایورت جدا گانه

تصویب کرده است و راجع به سنه ۱۹۲۲

مربوط ببودجه سنه آتبیه گردید که جزو

آن محسوب شود .

رئیس — آفای حاج شیخ اسدالله

مخالفند؟

حجاج شیخ اسدالله، خیره موافق

رئیس دیگر مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس — باوره رأی گرفته می-

شود آفایان که تصویب میکنند ورقه سفید

و آفایان که رد می کنند ورقه سکبود

خواهند داد .

(در این موقع اخذ آرا بعمل بعمل

آمد و آفایان بیان‌الدوله و سهام‌السلطنه

استهراج نموده بر ترتیب ذیل تبعه حاصل

شد)

هذه حضار (۶۶) ورقه سفید

علامت قبول (۴۳) ورقه کبود علامت

رد (۱۳) امتناع (۱۰) .

رئیس — عده حائزین ۶۶ نفرند

با ۴۴ رای رایورت کمیسیون تصویب

شد .

(اسمی قبول کنندگان)

آفایان بهسان‌الملک — عبدالعالی

شیخ ابراهیم رنجانی — رکن‌الملک — آصف

المالک مساوات ناطر العلماء منصور‌الملک

متشار‌السلطنه — ارباب کیخسرو و کیل —

امیر ناصر عادل‌السلطنه اصفهانی —

صدرالاسلام ابرهی — سردار مقخ — میرزا

محمد حسین صدرائی — اقبال‌السلطنه —

فهیم‌الملک — آقا میرزا ابراهیم قمی —

قام‌الدوله — حاج نصیر‌السلطنه حاج میرزا

چیزهای را که اضافه بر بودجه است
رد بکنید و بگوئیم کسانی که مصرف
کرده اند مستول این کارند و باید بپردازند
البته بعد از این اسراف کاریها جلو -
گیری شده و این اول قدمی است که بعده
بنده باید برداشت و این خرج را رد
نمود

سهام السلطان - منشی کمیسیون فرمودند
این لایحه تقریب بودجه است بنده عرض میکنم
لایحه تقریب بودجه نیست و فقط یک سند
خرجی است برای وزارت پست و تلگراف
چون در سند پیچی نیل اعتبار تلگرافی
وزارت مالیه بازده هزار تومان منظور
شده بودو بعد که حساب کرده اند بیست و
یکهزار تومان و کسری تلگرافات کردند
در آنجا نه بولی گرفته شده و نه پولی
داده شده یک تلگرافی بتلگراف خانه
فرستاده اند و تلگرافخانه هم مخابره کرده
و حالا اداره تلگرافخانه یک سند خرجی
لازم دارد که باید از طرف وزارت مالیه
باو داده شود سابق بر این که مجلس نبوده
بیشتر وزراه تصویب نامه صادر می کردند
حالا که مجلس شورای ملی مفتوح است
البته باید بصویب مجلس برسد و اینکه
فرمودند تلگرافات را خصوصی و مفصل می -
نویسنده عرض میکنند
اما این سند عرض میکنند در تلگرافات یک
شرایطی قید شده است که باید آن شرایط
در او جمع باشد تا تلگرافخانه قبول کند
حالا اگر برخلاف آن شرایط یک عملی
شده است مسلم است که خیلی کارها بر
خلف قانون شده این کارهاهم مثل سایر
کارها است و البته باید یک قراردادی
که من بعد از این زیاده رویها جلوگیری
شود

رئيس - آقای رئیس التجار مخالفید

رئیس التجار موافق

رئیس - آقای نظام الدوله چهارم

نظام الدوله مخالف

رئیس - بفرمانید

نظام الدوله - مطالبه را که آقای
حاج شیخ اسدالله فرمودند تصویری کننم
می دانند و چیز تازه نبود زیرا مقصود از این
که پائزده هزار تومان اعتبار بوزارت
مالیه می دهند این است که اضافه بر آن
اعتبار حق نداشته باشد بصورت برسانند
واگر این مطلب سابقه بیندازند دیگر
عنوان اعتبار بکلی از میان میروند و برای
این که ممکن است یک وزارتخانه که
بنچاه هزار تومان اعتبار باو داده شده
سیصد هزار تومان خرج کند و بگوید
ناگزیر بودم و خرجش را باید مجلس
تصویب کند بعلاوه چون کلیه خرج سال
کندشته را بایاورده اند بنده تصویر می
کنم این لایحه بکمیسیون بر گردید و قی

روزنامه رسمی کشورشاهنشاهی

نمیشود . از این طرف بر میدارند با نظر
مینویسند بودجه را هم که شمارای مبده بد
یک رقمی است که درستون بودجه مینویسند
مقصود از این لایحه هم این است که شمارای
بدهند وزارت مالیه علاوه بر بودجه خودش
شهرهار تومان و کسری که خرج کرده
ملت آنرا از جب خودش بدهد و اما اینکه
میفرمانید وزارت پست و تلگراف یک دفتر
مرتبی دارد این دلیل کفایت نمیکنند برای
تصویب این خرج البته هر وزارت خانه یک
اداره مصالحت و دفتر جمیع خرجی دارد
و این یک ترتیبی نمیشود برای یست و
تلگراف بنده تصویر کند تا سند خرج تلگراف
شده مجلس تصویر کند تا سند خرج تلگراف
خانه باشد و اینکه آقای ارباب میخواهد
این حساب جزء است و صورت آنهم نیامده
البته صورت جزء تمام مغارج را باید مجلس
شورای ملی رسید کی کند نه نهاده بیچی
نیل وزارت مالیه را بلکه بودجه تمام وزارت
خانه هارا در تمام دوره فترت باید مورد
دقیق قرار دهد در کمیسیون بودجه هم تمام
این مذاکرات شده است اما امروز یست و
تلگراف در مقابل تلگرافات که کرده
است سند خرجی می خواهد ممکن است
در مقابل تلگرافات بمن بدنه که حساب
خودم بگذارم و این یک تقاضای فوق -
الماده نیست و گمان می کنم در این موضوع
مذاکرات زیادی لازم نباشد و بمنه بیشنهاد
می کنم که مذاکرات کافی باشد

رئیس - یشنخهاد آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حائزی زاده - مطالبه کمی خواست
هرض کنم آقایان گفتند
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
مخالفید

آقا سید یعقوب - خیل بند
موافق

رئیس - آقای فهیم الملک چهارم
فهیم الملک - موافق
رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - اینکه آقای محمد
هاشم میرزا فرمودند کمی توان جزء جزء
را اینجا بیاورند و تصویب شود این یک چیز
نژاد است که بنده می شنوم . فاعدتاً تقریب
شده مجلس تصویر کند تا سند خرج تلگراف
خانه باشد و اینکه آقای ارباب می خواهد
این حساب جزء است و صورت آنهم نیامده
البته صورت جزء تمام مغارج را باید مجلس
شورای ملی رسید کی کند نه نهاده بیچی
نیل وزارت مالیه را بلکه بودجه تمام وزارت
خانه هارا در تمام دوره فترت باید مورد
دقیق قرار دهد در کمیسیون بودجه هم تمام
این مذاکرات شده است اما امروز یست و
تلگراف در مقابل تلگرافات که کرده
است سند خرجی می خواهد ممکن است
در مقابل تلگرافات بمن بدنه که حساب
خودم بگذارم و این یک تقاضای فوق -
الماده نیست و گمان می کنم در این موضوع
مذاکرات زیادی لازم نباشد و بمنه بیشنهاد
می کنم که مذاکرات کافی باشد

رئیس - یشنخهاد آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اولاً عرض
می کنم که آقایان مسبوق باشند که این رأی
که داده می شود برای خاطر این نیست که
یک یولی دولت بدنه یک خرجی بکشد

فقط برای یک معاسب است که اداره تلگراف
خانه می خواهد بحساب دولت محسوب کند.
ومعمول این است که هر سال از طرف مجلس
یاهیقت دولت بهر وزارتخانه برای مصارف

تلگرافی یک اعتباری داده می شود که در
حدود آن اعتبار اداره تلگرافخانه مجاز است از
تا با اعتبار علی الخصوص توپیقات آقایان
محمد هاشم میرزا حاج شیخ اسدالله یشنخهاد
ثابت میکند که این لایحه تقریب بودجه
است زیرا میفرمانید این یول مصرف شده
و شما حالا اجازه بدنه به حساب بیاورند
یعنی این لایحه اعتبار نیست و یک لایحه

تقریب بودجه است و خوب است بفرمان
این یک جزئی است از لایحه تقریب بودجه
سنه بیچی نیل که ماجمعش را ندیده ایم و
حالا میخواهیم یک جزء از آنرا تصویب
کنیم والا لافت اعتبار یا چیزی که بمصرف
رسیده ضد هستند مثل باهشده اینه
میمیشند که فلان یول را بعداز این خرج

کنم اگر در همان آن بنده بگویم قبل
مصرف شده این عبارت معنی نداود بنده
ملتفت نمیشوم و همان طور که هر ضر کردم
یک جزء از لایحه تقریب بودجه است از
طرف دیگر میفرمانید دراین جا بول مصرف

در مقابل این مبلغ اداره تلگرافخانه
باید سند خرج داشته باشد که در مورد حساب
می تواند سندی ارائه دهد در سابق که
مجلس نبوده اگر کسری برای مخابرات

روزنامه رسمی کشورشاهنشاهی

رسید ...

(صدای همه به بعضی از
نایندگان)

حاج شیخ اسدالله - همه برای

چیست ؟ بله با آنکه بیشنهاد را بنده هم امضاه کرده ام حالا امضا خود را پس می کیرم و اظهار مخالفت می کنم اگر خلاف قانون است بفرمائید ؟ دیگر همه لازم ندارد هر ضمی کنم اگرچه راجع بسنواه دو مجلس دوم مناسکره شد و رأی دادند که سال ایران باید شمسی باشد و مطابق این رأی که داده شده می توان اعیاد را نسبت بسال شمسی فرض کردولی در آن موقع اسمی از اعیاد نبردند و اعیادو ایام مصیبت دادر ایران قمری حساب می کنند بجهة اینکه این کار اینطور معمول شده برای آن اشکالی است که ممکن است فراهم شود یعنی اعیاد بایام مصیبت و با مجرم و صفر تصادف کندواگر این جشن مشروطیت را شمسی فرض کنیم آنوقت امراض آن مشکل می شود این بیشنهاد برای این است که در تمام دوره سی و شش کمی گندرو چند سال آن در زمستان واقع می شود آنوقت یکی دو سال از این سنواه که در زمستان واقع می شود مجبور می شوند در همارت جشن بگیرند و قادری اسباب زحمت است .

اما اگر مطابق این بیشنهاد رفتار شود بنده تصور می کنم که اگر مصادف شود با ایام مجرم و صفر یا با ایام ماه مبارک اشکالاتش زیادتر می شود از این نقطه نظر بنده تصور می کنم همانطور که معمول است این جشن مجلس راهنم قمری بگیرند تادچار اشکال نشویم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده که

یکی از بیشنهاد کنندگان هستم هیچ یه ام این است که این جشن مطابق سال شمسی باشد و علاوه بر اینکه جاوی محل تغییر خواهد کرد هر ضمی کنم هر قدر ما در این جشن بر مسرت عمومی موفق شدیم بالآخر از عده نوروز که خواهد شد و یک قسمت دیگر از فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع باعیاد مذهبی بود و آنها ممکن است تغییر نیستند چنانچه عبد فطر در آخر ماه رمضان است و ابدآ قابل تغییر نیست و همچنین هیچ غدیر و غیره و بالآخره اعیاد قدیمی غیر از اعیاد رسمی است و هیچ مناسبتی با یکدیگر ندارند و فرضیا دریک دوره سی و شش سال همانطور که هر وقت نوروز مصادف می شد با این و مصیبت ما تعزیز شدرا مقدم می شاریم این عیدهم وقتی مصادف شد بایام مجرم و صفر دو ضمی خوانی می کنند اینکه فرمودند در دوره دوم تصویب شد که سالها شمسی باشند اینطور نبوده که در مجلس ما اختر اهی کرده باشیم فقط ما فراردادیم که دو سال

آقا سید یعقوب - رئیس التجار - فیض الملک هادا سلطنه طباطبائی - آقای سید محمد صادق طباطبائی - آقای سید محمد تدین - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی سهام السلطنه - بیان الدواع - صدرالاسلام ابوزیری - سید کاظم امین الشریعه - ملک الشوراع - میرزا محمد نجات - هادا سلطنه خراسانی - سید فاضل کاشانی - سردار معظم کردستانی - غضنفر خان - حاج شیخ اسدالله معلاتی - فتح الدواع - آقا میرزا هاشم آشتیانی

(اسمی رد کنندگان)

آقایان نظام العمامه - جلیل الملک حاج میرزا عبدالوهاب آقا میرزا اهلی کازرانی ارباب کیخسرو - نظام الدواع - قوام الدواع - حاج میرزا علی کازرانی - بنده مخالفم .

با تفاوت باورای داده ایم در اینجا اشکال تراشی می کنیم ایم بود هرایض بنده .

(گفته شد مذاکرات کافی است)

و رئیس آقای فهیم الملک که موافقید آقای آقای سید یعقوب هم موافق بودند و آقای نصیرالسلطنه شاههم موافقید ؟

نصیرالسلطنه - بلی موافق و هرایض

بنده را آقایان فرمودند .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

هم موافقند - آقای کازرانی چطور ؟

آقا میرزا علی گازرانی -

مخالفم .

رئیس بفرمائید .

آقای میرزا علی کازرانی - آقای

مخبر در ضمن بیاناتشان فرمودند که

پانزده هزار تومان از این بیست و یک هزار

تومان تصویب شده و شش هزار تومان

باقي است کا صورتی مجلس رسیده بنده

عرض می کنم این پانزده هزار تومان را

کی تصویب نموده و از کجا تصویب شده

این شاهزاده این تومان هم باستی فرستاده

شود (جمعی گفته این خرج نیست)

مقصود بنده این است که آن پانزده هزار

تومان که هنوز مجلس نیامده هر وقت آن

مبلغ آمد این راه بادلا بیلی کدار نهضمه

کنند و مجلس بفرستند مجلس هم یا

تصویب میکند یا ودمیکند .

سهام السلطنه - بنده عرضی

نکردم تصویب شود گفتم پانزده هزار

تومان آن در جزء بودجه وزارت مالیه

برای مخابرات تلگرافی منظور شده بود

چون این مبلغ برای مخارج تلگرافی

آن وزارت خانه کافیست نکرده شاهزاده

تومان و کسری اضافه تلگراف کرده اند

و نظر بایشکه وزارت بست و تلگراف برای

این اضافه سند خرجی ندارد این است

که مجلس فرستاده اند تا پس از تصویب

بحساب خود بگذارند .

(گفته شد مذاکرات کافی است)

رئیس رای گرفته می شود آقایانی

که این ماده واحد را تصویب می کنند ورقه

سفیدمی دهنده والا ورقه کبوخواهنداد

(در این موقع اخذه آراء شدو

آقایان بیان الدواع سهام السلطنه

استخراج نموده و ترتیب ذیل تبیجه حاصل

شد)

عده حصار (۷۱) ورقه صفید علامت

قبول (۴۲) ورقه کبوخواهنداد رد (۲۰)

امتناع کنندگان (۱۴)

رئیس - بلا تبیجه ماند

(اسمی قبول کنندگان)

آقایان منتصر الملک مستشار السلطنه

مدرس - صدر ائمی - عبدالملک حاج میرزا

تقی خان - نصیر الدیوان - محمد هاشم میرزا

عبدالسلطنه - سردار چنگ - اقبال السلطنه

که کلباتش را ب مجلس آوردند این مسئله راهنم تحت نظر بگذارند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بدلو آقایان را

مند کر می کنم به بیانات آقای رئیس وزراء

حالا سکه در مجلس فرمودند (من می

خواهم در مدت زمامداری خودم هر خرجی

که می شود بتصویب مجلس باشد) بعد

از آن که این اصل را این شخص بزرگ

در مجلس اظهار کرد و ما هم قبول

کردیم و همانطور که آقای مخبر بیان

کردند وزارت پست و تلگراف می خواهد

حساب خود را تفريح کند و از وزارت

مالیه سند خرج می خواهد که بحساب

خود بگذارد حالا اینکه حضرت والا

فرمودند در تلگرافات رجز خوانی می شود

خیز این خرج فقط متعلق با تلگرافات

است که از وزارت مالیه بامنای مایه

در باب اخذ مالیات وغیره مخابر می شود

و راجع بفردوسی وغيره نیست وقتی این

مسئله محزز شد که این تلگرافات راجع

است بوزارت مالیه و مالیه هم در این مدت

مخابراتی کرده حالا که در دوره این

رئیس وزراء وزارت پست و تلگراف می

خواهد تفريح سند را کار کند چه کار

که تاسندی در دست نداشت باشد که بتواند

حساب کند . اما این که آقای ارباب

میفرمایند این خرج بودجه است و

هنوز بودجه را نیاورده اند بنده عرض

میکنم مگر شما بودجه شش ساله دوره

فترت را ملاحظه کرده اید و عملیاتی که

در دوره فترت واقع شده بنظر شما آورده

اند مگر ماجبودیم عملیات دوره فترت را

رسیدگی کنیم (عده گفته بیلی) بلی

این طور فرمودید ولی باز همان وقت

فرمودید این مطلب عملی نیست و صورت

سازی می کنند (عده گفته بیلی)

بهر حال ماید قدمهای عملی

برداریم و در امور مملکت باید طرف

مشتبه را گرفت هر طرف منفی را امروز باید

قدم برای سعادت مملکت و راه اندختن

پرخواهی مشتبه برداشت ما نباید بطرف

منفی برویم برای آنکه در هوالحدیات

خوبی چیز های شود تصویر کرد . غرض

این این است که این بست و تلگراف می

خواهد تفريح حسابش را بگنند و در سنه

آتبه از اول حمل بودجه را که مجلس تصویب

میکند عمل کنند برای آن که رئیس وزراء

گفته مادام که من رئیس وزراء هستم

عملیات من باید بتصویب مجلس شورای ملی

باشد ، آن وقت مایه ایم و بگوییم این خرج

را قبول نمیکنم در صورتیکه نسبت بهم

شرکت چامه ملل فوراً رای می دهیم ولی

نسبت با آنچیزی که در تهت نظر خودمان

و تهت نظر وزیری که با او اطیبان داریم و

مخبر - این اصلاح بیموقع است زیرا اگر لفظ (از) اضافه شود و نوشته شود رسیدگی بشکایت از رؤساه و ناظمین و فیله مقصود این میشود که از رؤساه و ناظمین اگر شکایتی بر سد و حال آنکه این مقصود نیست و مقصود این است که اگر رؤساه و ناظمین و معلمین از مقامات مر بوطه نسبت باقیمانی که درباره آنها منظور شده است شکایتی داشته باشند علی دارند بشورای عالی معارف شکایت کنند و دورای هالی معارف هم بشکایت آنها رسیدگی کنند.

رئيس - دیگر مخالفی نیست ؟
(کفته شد خیر)
رئيس - جزو سیزدهم مطرح است
(آفای سهام اسلام پیغمون ذیل
قرائت نمودند)

(۱۲) تعیین هرایط مصلحین که بخارج دولت بخارجه اعزام میشوند و نظارت در انتخاب آنها .

رئيس - در این قسمت مخالفی نیست ؟
(مخالفتی نشد)
رئيس - جزء چهاردهم
(شرح ذیل قرائت شد)
(۱۴) رسیدگی به دیبلم های اشخاصیکه در خارجه تحصیل کرده اند
رئيس - آفای ارباب کیفسرو
(اجازه)

ارباب کیفسرو - اینجا خوبست آفای مخبر توضیح بدنهند مقصود از رسیدگی چیست ؟ اگر مقصود از رسیدگی برای صحت دیبلمه است بنده پیشنهاد میکنم کلمه صحت اضافه شود که بعد حاجت بتغییر نشود.
مخبر - مقصود از رسیدگی ابتدا اینست که شورای عالی معارف صحت یا سقم آنرا تصدیق کند ولی عباره برای این مقصود کافی است و گمان میکنم اضافه کردن کلمه صحت چندان لزومی نداشته باشد چون نتیجه ام صحت و سقم دیبلم است

رئيس - آفای ارباب کیفسرو
(اجازه)

ارباب کیفسرو - بنده هرض کردم از نقطه نظر اینکه بعد ها سوء تعبیر نشود که مقصود از رسیدگی نظریه دیگری بوده است در ماده قید شود وحالا که آفای مخبر بفرمایند البته مقصود از رسیدگی برای صحت آنها است خوب است قید کنند و از حالا جلو ضرر آتیه را بگیرند که در آینده اسباب اشکال نشود.
مخبر - فرض اگر آفایان نمایند کان قبول کنند که کلمه صحت اضافه شود قبل از کلمه دیبلم نمیتوان اضافه کرد چون یک جزء از مقصود را نهی میگذند پس خوب

ملک الشعرا - بنده هم با آفای وغیره
فهم الملک مغلالم .

رؤیس - آفای آفای سید یعقوب
(اجازه)

آفای فهم الملک که فرمودند چهاردهم میزان موقع مناسب وفصل خوبی است بگوییم که خوبی فصل دخیل نمیشود و عرض میکنم که در همان فصل تابستانی که زحمت کشیدیم و در آن حرارت قلب الاصد آزادی را گرفتیم و چه قدر از اولاد ایران در آن فصل کشته شدند باید جشن هم در همان تاریخ گرفته شود ما باید در تاریخ این فصل را بیاد گار بگذاریم که مردم در آنیه بدانند ما در چه فصل و چه موفقی آزادیرا گرفته ایم و فدا کاری کرده ایم و در این فصل و این هیئت که یکی از اعیاد بزرگ و عیاد آزادی است جشن بگیرند چطورما میتوانیم آنروزیکه زحمت کشیده ایم و فدا کاری کرده ایم و آزادی گرفته ایم مبدل بروزی بگنیم که مجلس افتتاح میشود البته همان فصلی که مجاهدت شده بهتر است و باید در تاریخ ایران همین روز بیاد گار باقی بماند

رئيس - رأی میگیریم به پیشنهاد آفای فهم الملک آفایانیکه پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند
(کسی قیام ننمود)

رئيس - تصویب نشد - آفایانیکه پیشنهاد اول را تصویب میگنند قیام فرمایند
(قریب باافق قیام نمودند)

رئيس - تصویب شد
شیخ الاسلام اصفهانی - آجازه میفرمایند
عرض مقتصری دارم

رئيس - راجع چه چیز است ؟
شیخ الاسلام - یک تلکرافی از اهالی اصفهان راجه به منسوجات ایرانی رسیده بود و کمپسیون محترم هر ایض درخواست کرده بودند دو مجلس قرائت شود یک دفعه بیشتر طول ندارد اگر اجازه میفرمایند قرائت شود

رئيس - در آخر جلسه قرائت بشود.
قانون شورای عالی معارف مطرح است در جزء دوازدهم از ماده دوازدهم مذاکره میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

(۱۲) تصدیق صلاحیت معلمین و معلمات و تهیه نظامنامه مخصوص برای ترقیع و تنزل دتبه یا عزل آنها رسیدگی کی بشکایات رؤساه و ناظمین و معلمین مدارس دولتی در حدود وظایف اداری آنها

رئيس - در این جزء مخالفی هست یا نه ؟
حاج میرزا عبدالوهاب - این قسمت یک کلمه کسر دارد باید نوشته شود و رسیدگی بشکایات از رؤساه و ناظمین

دیگر را نتوانیم راه بدهیم و حال تمام ملت باید هر کوت کفند و اکر مشارکت نمیکنند نباید اختصاص بجنبدنفر داشته باشد

(بعضی کفند مذاکرات کافی است)
رؤیس - آفای فهم الملک پیشنهاد

کردند بچهاردهم میزان مسحول شود
محمد هاشم میرزا - خوب است

توضیح بدنهند
فهم الملک - اجازه میفرمایند
توضیح بدنهیم ؟

رؤیس - بفرمائید
فهم الملک - قرض از تغییر تاریخ

قریب شمسی برای این است که مردم از تصادف با ایام مستان و سرما قدری راحت باشند یقین دارم تصدیق میفرمایند حارث چهاردهم اسد با برودت جدی و دلو چندان تفاوتی ندارد حالا که میخواهند تغییر را بدنهند خوب است بوج اصل هشتم این قانون اساسی که مینویسد پس از تعطیل تابستان

باید مجلس چهاردهم میزان که مطابق افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود . در چهاردهم میزان جشن

گرفته شود یعنی در موقعي که مجلس باید بعد از تعطیل تابستان منعقد شود و جشن گرفته شود و امید وارم قانون انتخابات جدیدی هم که از مجلس میگذرد و این اصل معجز و مدت کار مجلس معین شود که همه ساله از اول میزان افتتاح و هس از نهاده تعطیل شود بنابراین بنده پیشنهاد نموده ام همان ۱۴ میزان که در قانون اساسی ذکر شده معین هود که هم برای جشن گرفتن فصل مناسبی است ، وهوام عتل است و هم

جشن اعطای مشروطیت و هم جشن افتتاح مجلس یکمتر ته گرفته میشود بمقیده بنده هم اصل دیگر برای حاضر کردم و میخواهیم که صراحتاً تاریخ شمسی را متذکر کر میشود (اصل هشتم - مدت تعطیل و زمان افتتاح مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شده) این اصل صراحتاً تاریخ شمسی را متذکر میشود و افتتاح مجلس را معین کرده باشانه ما میخواهیم تاریخ گرفتن آزادیرا بگیریم و آن چه شما فرمودید عمل جزئی بود و

عمل کلی را متذکر نشید اولاً خود فصل باید نشان بدهد که در چه فصلی آزادی گرفته شده و این خودش خیلی دشیز است و آن فصل باید معتبر شمرده شود و آزادی گرفتن چیز جزئی نیست و اما آن عید مذهبی که فرمودند از عبید ملی و آزادی مجازی است بعلاوه فرمودند ممکن است با

ایام عزای تصادف کنند و توانیم هید بگیریم اهمیت ندارد آیا چه هزاری بالاتر از این است که خودتان مباییم بالای عمارت و مردمان

دوره تقویتی شمسی باشد . حالا خوب است این چشم هم تابع همان باشد و مقصود بجا آوردن رسمی است برای اعطای مشروطیت فرقی نمی کنندچه شمسی و چه قمری باشد ولی صرفه در شمسی است رؤیس - آفای حائری زاده موافقید ؟

حائری زاده - باید رؤیس - آفای ملک الشعرا چطور ؟ ملک الشعرا - موافق

رؤیس - آفای حاج شیخ اسد الله (اجازه)

حاج شیخ اسد الله - بنده اشکالات خود را عرض کردم و آفایان ممبوق شدند و زیاد هم اصرار نمی کنم دیگر بسته بنظر آفایان و یکی دیگر اصل قانون اساسی را می خواهیم بینند آیا این اسباب اشکال نمی شود ؟ و آیا ممکن است بیرج شمسی تغییر شود ؟ این است

(اصل اول - مجلس شورای ملی بوج اصل هشتم بینان مورخ چهاردهم جمادی الآخر یکهزار و سیصد و بیست و چهار

کرده و تاریخ را قریب گرفته حالا اگر این پیشنهاد مخالفتی با این اصل ندارد بنده هر ضی ندارم و منوط برای آفایان نمایند کان معترم است

رؤیس - آفای ارباب کیفسرو

(اجازه)
ارباب کیفسرو - اولاً جواب آن اصلی را که آفای حاج شیخ اسد الله خوانند بنده یک اصل دیگری را میخواهیم آنوقتی که قانون اساسی را بیرون آورده بنده ملتفت شدم که چه ایرادی میخواهند بگیرند . بنده هم اصل دیگر برای حاضر کردم و میخواهیم که صراحتاً تاریخ شمسی را متذکر کر میشود (اصل هشتم - مدت تعطیل و زمان افتتاح مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شده) این اصل صراحتاً تاریخ شمسی را متذکر میشود و افتتاح مجلس را معین کرده باشانه ما میخواهیم تاریخ گرفتن آزادیرا بگیریم و آن چه شما فرمودید عمل جزئی بود و

عمل کلی را متذکر نشید اولاً خود فصل باید نشان بدهد که در چه فصلی آزادی گرفته شده و این خودش خیلی دشیز است و آن فصل باید معتبر شمرده شود و آزادی گرفتن چیز جزئی نیست و اما آن عید مذهبی که فرمودند از عبید ملی و آزادی مجازی است بعلاوه فرمودند ممکن است با

ایام عزای تصادف کنند و توانیم هید بگیریم اهمیت ندارد آیا چه هزاری بالاتر از این است که خودتان مباییم بالای عمارت و مردمان

مخالفید ؟

آفای سید یعقوب - بنده با آفای

فهم الملک مخالفم .

رؤیس - آفای ملک الشعرا چطور ؟

بنماده
این
اشت
ملق
جه
بر
گر
کز
ون
یده
هد
رت
س
لی
ان
ل
ت
ند
به
و
ن
ا

امتحانی قبل ممین شود در همین لایه
قانون شورای عالی معارف هم در یکی
از مواد ممین شده و تصویب هم شد که
دستور امتحان شاگردان را شورای
عالی معارف باید بدهد و ضمیت امتحان
تا کنون اینطور بوده است که قوهای وزارت
معارف می خواهد امتحان کند عموم مدارس
اعم از ملی یادولتی می کند که مدرسه
فارغ التحصیل آخر دوره ابتدائی دارد
بغیرسته امتحان بدنه و این موضوع چندین
سال است ممول شده و همه ساله عده
زیادی برای امتحان از کلیه مدارس ملی
دولتی در وزارت معارف می روند و
امتحان می دهند و آن هائی که امتحانشان
قبول می شود آنها از طرف وزارت معارف
تصدیق داده می شود و در آن نظامنامه
امتحان ممکن است مقصود آقا بعمل آید
با این ترتیب که اگر کسی شکایتی از
امتحانات و هیئت متحده داشته باشد
را شورای عالی معارف قرار دهند والبته
اگر شکایتی نداشته باشد و آن تصدیق
نامه هم مجاز خودش راطی کرده
و شاگرد اعم از دولتی یا ملی باید و تصدیق
بکیده تصور می کنم لازم نباشد یک معلمی
برای رسیدگی بدیلم داخله لازم باشد
الآنکه بگوئیم اگر یک مورد شکایت
از دیلمی شد شورای عالی معارف حق
رسیدگی خواهد داشت و با اگر از مقامات
رسمی در موضوع دیلم شکایتی هد
شورای عالی رسیدگی کند و این یک
موضوع دیگری است.

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟
(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده
قرار نمی شود.

(آقای سهام السلطنه پیشنهادات

مذبور را بضمون ذیل قرائت نمودند)
بنده پیشنهاد می کنم در آخر جزء
چهاردهم از ماده دوازدهم این جمله مزید
شود و تصدیق بصحت آن ها ارباب
کیخسرو.

(بنده جزء چهاردهم را این قسم
پیشنهاد می کنم رسیدگی بصحت و تصدیق
دیلمهای اشخاصی که در خارج تحصیل کرده
اند.

سدید الملک (این بنده قسم چهاردهم را این
قسم پیشنهاد اصلاح می نمایم رسیدگی
بدیلمهای اشخاصی که در خارج تحصیل
کرده اند و تشخیص صحت و سقم آن ها
مستشار السلطنه) - بنده این پیشنهاد
را هوش کردم.

رئیس - آن پیشنهاد دو مطلب
دارد و باید جدا جدا رای گرفته شود.
همین طور که نوشته اید بهتر است بعلاوه

رسمی مدارس رسمی آن است که مستقبلاً
در وقت نظر دولت اداره می شود فهرست
آن است که مؤسس خاصی دارد ایران
چون محل تصدیق دیلمها ممین است
و آن وزارت معارف است بعداز آن که
هیئت متحده امتحان کردن و تصدیق
کردن رایورت خودشان را به قام وزارت
تقدیم می کنند وزیر معارف و رئیس کل
مدارس و رئیس مدرسه باید آن دیلم را
امضاء کنند باین جهت چون در ایران دیلم
محل رسیدگی دارد و دیگر لازم بررسید گی
شورای عالی معارف نیست اما مدارس
غیر رسمی که صورت پیدامی کند اگر چنان
دولت ممین می شود هستند دیلم آنها چنان
چه امتحانی که آنها واقع می شود در
تحت نظر نماینده وزارت معارف باشد
آن هم حکم تصدیق نامه دولتی را دارد
و اگر در حضور نماینده وزارت معارف باشد
رسیت ندارد و در چاهائی که باید با آن
ترتیب اثر بدنه نخواهد داد و در مرکز
چون وزارت معارف هست و در ایالات
و ولایات هم ادارات و وسائل معارف هستند
که دیلم یا تصدیق نامه ارسیدگی و امضاء
میکنند یک مغازه دیلمهای هر آن خود می
وارد و آن مقام را طی کرده اند یا نه؟
محکمه شورای عالی معارف است که باید
همان دیلم است و باید شورای عالی معارف
رسیدگی کند که آیا این دیلم را قیراز
 مجرای حقیقی گرفته اند یا خیلی پیش
صحت و سقم آن را بدهد و بینند که آیا این دیلم
حقاً بست این شخص رسیده است یا چهلی است
و معلوم است رسیدگی بدیلم هم در موقع احتیاج
بیست هستم

است در آخر نوشته شود (و تصدیق بصحت
آنها) حالا اگر آقایان این جزء را قبول
بفرمایند بنده دیگر عرضی ندارم
مقصود کسانی است که بخرج خودشان میروند
چه مربوط بشورای عالی معارف باشند
رسیدگی بدیلم بکنند و گرایم باشند
است که بخرج دولت میروند باید قید شود
که مقصود معلوم باشد

هیخبر - بنده در این قسم برعکس
عقیده دارم چون آن اشخاصی که بخارج
دولت تصدیق کرده اند چون در تحت نظر
مستقیم دولت و یکنفر سریر است که از طرف
دولت ممین می شود هستند دیلم آنها چنان

هرض مهکم کمیسیون معنایی که برای
این چرم در نظر گرفته این بود که این اشخاص
که در خارج تحصیل کرده اند و میباشد و
میگویند ماد کتر فلان هستیم یا چه هستیم
این محلی که باید بهم داد که راست میگوید
و آن مقام را طی کرده اند یا نه؟
محکمه شورای عالی معارف است که باید
رسیدگی کنند و تصدیق کنند لازم رسیدگی
هم معلوم است برای این است که صحبت و فساد او
را معلوم کنند که آیا اینکه آنها در
نظر دارند البته در موقع لازمه مدرک ایشان
همان دیلم است و باید شورای عالی معارف
رسیدگی کند که آیا این دیلم را قیراز
 مجرای حقیقی گرفته اند یا خیلی پیش
صحت و سقم آن را بدهد و بینند که آیا این دیلم
حقاً بست این شخص رسیده است یا چهلی است
است از فساد یا صحبت و دیگر لازم باشند
یست و بنده مخالف با اضافه این کلمه

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده هم با
آقای رسیده معرف شدم
رئیس - جنابعالی با ضمیمه نمودن
عهارت موافق بودید.

محمد هاشم میرزا - بنده موافق
بود ولی بعد که آقا رسیده یعقوب توضیح
دادند موافق با ایشان شدم و با ضمیمه نمودن
این عهارت مخالف شدم

هیخبر - عرض کردم تیجه رسیدگی
شورای معارف این است که دیلم را با
تصدیق کنند بار دادند و قسمتی از دیلم را با
در تعییب بیانات آقای ارباب کیخسرو اظهار
مکردم بهمین نظر بود حالا برای این
مقصود اگر یک تاکیدی در عبارت بشود
پاشند باز بعقیده بنده مساوی است ولی برای

اینکه در آنیه باز محتاج بتغیرات و تاویلات شود
اضافه کردن (تصدیق بصحت آن) در آخرین
این جزء عیوبی ندارد و فقط از نقطه نظر تا کید
است والا برای اثبات معنی چندان اهمیت ندارد
و رئیس (خطاب هیخبر) بالآخر ضمیمه
میکنید یا باید رأی بگیریم

مدرس - ضرر ندارد

هیخبر - این قسم را بنده واگذار
میکنم برای آقایان چون از طرف کمیسیون
نمیتوان اظهار عقیده بکنم

رئیس - آقای عمام السلطنه

خراسانی (اجازه)

عمام السلطنه - این فقره چهاردهم

(اجازه)
عمام السلطنه - این توضیحی که آقای
میخواهد دارم دیلم دارد و بیارد و اینجا نشان
ماده و فرق نمی دهد بنده یک پیشنهادی
نوشته و تقدیم کردم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله عرضی دارم

رئیس - موافقید یا نه؟

حاج شیخ اسدالله عباره اصلاح

لازم دارد.

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - بنده با این توضیح آقای
میخواهد نشتم بلکه فرمایش اشان پیشتر

موید شد که لفظ داخله را هم باید اضافه
گرد برای این که مدارسی که در تحت نظر

وزارت معارف است بامدارس ملی ابته

دارای دیلم و تصدیق نامه خواهد بود

و همان قسمی که فرموده اند دیلمهایی که از

مدارس خارجه صادر شده شورای عالی

معارف باشد در آن ها نظر کند چرا باید

بدیلمهایی که از مدارس داخله خودمان

داده شده نظر نکند خصوصاً آن هائی

که در تحت نظر وزارت معارف نیست در

این صورت چه هیب دارد که دیلمهایی

داخله هم باشد و ترتیب اثر با داده

شود. لهذا هرچند می کنم اگر لفظ داخله

هم اضافه شود انفع خواهد بود.

هیخبر - هرچند میکنم یک نظمامنامه

حاج میرزا علی محمد - اجازه می - فرمائید ؛
رئیس - عضو کمیسیون هستید ؟
حاج میرزا علی محمد - نعم
رئیس - رأی می گیریم بیشنهاد آقای مدرس که لفظ داخله ضمیمه شود.
آقایانی که این بیشنهاد را قابل توجه می دانند قبایم فرمایند
(عده قبایم نمودند)

رئیس - از شصت و نه نفر سی و چهار نفر رأی دادند قابل توجه نشد رأی می -
کمیسیون بیشنهاد آقای وحید الملک (خطاب باقای وحید الملک) اصراری دارید که دو بیشنهاد جنابعالی رأی بگیریم و حیدالملک - بلی رأی بگیریم
مطهر - این بیشنهاد را کمیسیون نمی پذیرد برای اینکه البته هر کس می - خواهد بدیلم خودش ترتیب اثر بدهد مقصود این است در موقع ازوم از طرف دولت اعلاناتی می شود و اشخاصی را برای یک کاری می خواهد و مدرک میخواهد اگر مدرک بدیلم باشد و دولت شکداشته باشد بدیلمهای خود را بیاورند که شورای عالی معاون - رسیدگی به صحت و سقم آن ها بکند وحیدالملک - بنده از مخبر مختار سؤال من کنم که مقصود از رسیدگی چیست ؟
بهر دیلمی که رسیدگی نمی کنند لابد به دیلمی رسیدگی خواهند گردید که صاحب آن بخواهد بدیلم خود ترتیب اثر بدهد و هیچ دیلمی به وزارت معارف نخواهد آمد مگر برای اینکه ترتیب اثری باوداده شود پس باید این لفظ نوشته شود و این ماده گذاشت باشد و همین توضیع که آقای مخبر دادند و جواب ذکر این جمله را میرساند

هیچی - تصور میکنم که این جزء (۱۴) کاملاً وافی بمقصود باشد و هیچ محتاج نباشد جمله به آن افزوده شود رسیدگی به دیلمهای اشخاصی که در خارجه تحصیل کرده اند بدیمه ای است در موردی خواهد بود که محل حاجت باشد آنوقت شورای عالی معارف رجوع میشود هر وقت ارجاع هد رسیدگی خواهد کرد و اتا کسی دیلم را به آنچنانجاورده هورای عالی معارف مدعی العموم نیست که بگوید هر کس دیلم دارد باید من رسیدگی میکنم و گمان میکنم این جزو هرای اینکه مقصود کافی باشد و محتاج نیست که جمله (میخواهند ترتیب اثر بدهند) اضافه شود رئیس آقای وحیدالملک

(اجازه)
وحیدالملک - بنظر بنده غریب می آید برای اینکه توضیح آقای مخبر عین همان جزی است که بنده بیشنهاد کرده ام

نخایند . و بخلاف گمان می کنم این کار ها شورای معارف را هم از کارهای اصلیش باز دارد و شاید برای نیم عشیر یا بله هشتر نمود امتحان که جماعتی از شاگردان راضی هستند بعضی ناراضی نیستند و آن وقت اگر برای نیم عشیر یا کمتر شورای عالی معارف وقت خود را صرف کند امتحان را چندین مرتبه تجدید بکند شورای عالی معارف بکار های اصلی نخواهد رسید.

بنابر این گمان می کنم که لازم بلفظ داخله نباشد و محتاج هم نیست بدیلمهای داخله را بامقدماتی که عرض کردم رسیدگی کند و فقط رسیدگی بدیلمهای خارجه باید در شورای عالی معارف بشود و مذاکرات بشود و مذاکرات در این موضوع هم گمان می کنم کافی باشد

رئیس - آقای مدرس
(اجازه)

مدرس - فرمایشات آقای وزیر بنده را قانون نگرده بلکه موبایل این شد که در جو ع بشورای عالی معارف بشود . چون پرونگر امی را که شورای عالی معارف خودش مینمی کند باید رسیدگی هم بکند و بینند برطبق آن دیلم یا تصدیق داده شده یا خیر و از آقای وزیر یا آقای مخبر خواهند ندم این مسئله را خوبی اهمیت بدهند بجهت اینکه اگر دیلم بغير موقع داده شده باشد خبر رش خوبی است و اگر موقع داده شده باشد نفس خوبی است و اگر چنانچه بشورای عالی معارف رجوع بمنایم که رسیدگی کند تصور میکنم بهتر باشد و وضع این محظوظات بشود و ذکر این مسئله هم تصور ضرری نداشته باشد

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - هر ایض بنده گفته شد هر ضی ندارم
رئیس - این بیشنهاد باین ترتیب که شده اگر قبول بشود گمان می کنم نفس غرض خواهد شد برای اینکه راجع بدیلم خارجه کذا کر شده برای این است که بدانند دیلم جملی است یا جملی نیست ولی ایشان یک مقصود دیگری دارند و این بیان را که فرمودند آن مقصود را نمی رسانند

مدرس - اجازه می فرمائید

مدرس - گمان می کنم آن صحت و سقمی را که فرمودند بنحو اطلاق مفادش همین است که عرض کردم اگر گفتم صبح بعد است یعنی این مطلب یا این مسئله بورد خودش استعمال شود و اگر گفتیم سقم است یعنی بجز ای حقیقی خودش استعمال نشده این معنی صحت و سقم است و معنی دیگر ندارد

و استخدام دولتی مدخلت تمام خواهد داشت بنابر این بیشنهاد کرده بودم که بدیلمهای داخله هم رسیدگی شود غرض این است که در طهران چند مدرسه دائم که بدیلم می دهنده البته باید با آنها هم رسیدگی بشود رسیدگی - راجع باضافه لفظ داخله حالا نمی شود صحت کرد راجع باضافه لفظ صحت آن تو ضیعی دارد رسیدگی بشود اگر تو ضیعی دارید بفرمایند بعد راجع بلطف داخله مذاکره خواهد شد راجع باضافه لفظ صحت تو ضیعی دارید ؟

مستشار السلطنه - خیر
رئیس - (خطاب بخسر) کمیسیون قبول می کند ؟

مخبر - تشخیص صحت و سقم آن هارا بقول می کنم .

حاج شیخ اسدالله - حالا نازه بنده مخالف با این ماده شدم .

رئیس دیگر در این خصوص رای نمی گیریم چون کمیسیون قبول کرده بیشنهاد آقای آشتیانی قرائت موشود

(بعض می دیل قرائت شد)

(رسیدگی و تصدیق بدیلمهای اشخاصی که در خارجه و داخله تحصیل نموده اند)

رئیس - بیشنهاد های دیگر راجع باضافه کردن لفظ داخله است مجددآ قرائت می شود بعد رأی می گیریم

(آقای سهام السلطنه بیشنهاد مزبور را می خواهند بدیلمهای خود ترتیب از برداشت شد)

رئیس - بیشنهاد می کنم فقره ۱۴ اینطور نوشته شود رسیدگی بدیلمهای اشخاصی که در خارجه و داخله تحصیل کرده و می خواهند بدیلمهای خود ترتیب از برداشت شد

رسیدگی بدیلمهای اشخاصی که در فقره ۱۴ است یکی راجع باضافه لفظ صحت دیگری راجع باضافه کردن لفظ داخله و سوم بیشنهادی است راجع با این که اشخاصی که می خواهند بدیلمهای خود ترتیب از برداشت فعلاً در بیشنهاد های قسم اول باید رأی گرفت .

آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
آرباب کیخسرو - بنده بایشنهاد آقای مستشار السلطنه موافق که تشخیص صحت و سقم نوشته شود .

رئیس - آقای سیدالملک توضیع دارید .

سیدالملک - خبر تو ضیعی ندارم رئیس - آقای مستشار السلطنه توضیع دارید ؟

مستشار السلطنه در قسم جهاردهم اگر نظر مبارک باشد در شور او بمنه بیشنهادی کردم طبع و توزیع و بکمیسیون هم رجوع شد و آن قسمی هم که آقای مدرس فرمودند در بیشنهاد بنده بود و آن این است که رسیدگی به بدیلمهای کلیه اشخاصی که در داخله خارجه تحصیل کرده اند چه اینکه تصدیق شورای عالی معارف برای استفاده هر فنی

آقای مدرس هم راجع باضافه لفظ داخله بیشنهاد کرده اند بیشنهاد آقای مستشار السلطنه مجددآ قرائت می شود .

(بعض می دیل قرائت شد)
رئیس - بیشنهاد آقای عاد -

السلطنه خراسانی قرائت می شود
(آقای سهام السلطنه بعض می دیل قرائت نمودند)

(جزء چهاردهم از ماده دوازدهم رابح ریاضی بیشنهاد مینماید رسیدگی به بدیلمهای محصلین بخرج دولت اعزام شده و در صورت لزوم بدیلمهای محصلینی که خودشان بخارجه رفته اند رسیدگی خواهد شد)

رئیس - بیشنهاد آقای فتح الدوام (بعض می دیل قرائت شد)

(بنده بیشنهاد می کنم رسیدگی بدیلمهای اشخاصی که در خارجه و داخله تحصیل کرده اند که مجہول نباشد)

رئیس - بیشنهاد آقای مدرس (بعض می دیل خوانده شد)

(بیشنهاد می کنم در فقره ۱۴ لفظ را داخله اضافه شود مدرس)

رئیس - بیشنهاد آقای وحیدالملک (بعض می دیل قرائت شد)

(بنده بیشنهاد می کنم فقره ۱۴ اینطور نوشته شود رسیدگی بدیلمهای اشخاصی که در خارجه و داخله تحصیل کرده و می خواهند بدیلمهای خود ترتیب از برداشت شد)

رئیس - این بیشنهاد است رسیدگی بدیلمهای اشخاصی که در فقره ۱۴ دارند

روزنامه رسمی کشود شاهنشاهی

است که ایراد گفته شد که این مسئله از این نقطه نظر بود است که اگر اسامی شورای دولتی ذکر شود چون شورای دولتی حاليه نیست بلاتکلیف خواهد بود و نظام نامه عملای از این پیدا نخواهد کرد بنده عرض می کنم این مسئله نباید «نامه از این باشد که» در قوانین و نظام نامه های خودمان این نظریه را مراعات ننماییم بلکه باید مخصوصاً قانون را بطور کلی نوشت متنه می توان دره مانجا قید کرد تا وقتی که شورای دولتی تشکیل نشده تصویب هیئت وزراء برای اجرای نظام نامه کافی خواهد بود و جهت هم همان است که در اینها عرض کردم چون این شورا یک درجه باین تراز شورای دولتی است بنا بر این بقیه این نمی تواند نظام نامه خود را بهتر تهیه نماید و البته باید تصویب مقام بالاتری که سمت برتری نسبت باودارد بر سر و تصویب هیئت وزراء کافی نخواهد بود بنا بر این بنده پیشنهاد کرده ام و استدعا می کنم اگر موافقت بفرمایند چه هفدهم از ماده دواردهم حذف شده و بعنوان ماده چهارم در آخر این لایحه ملاوه شود باین ترتیب که شورای عالی معارف نظام نامه داخل خود شورای معارف ایالات و ولایات را تهیه نمود و پس از مشاوره شورای دولتی تصویب هیئت دولت بموضع اجراء کناره خواهد شد و نا زمانی که شورای دولتی تشکیل نشده فقط تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود و متنه در آن تهیه بایستی قانون شورای دولتی را وضع و تکلیفی هم برای شورای دولتی معین نمود باین ترتیب کمان می کنم آن نفس بداری هم بر طرف خواهد شد

هیبر — اشکال اولی که نسبت باین قسمت فرمودند این بود که این جزو منقصت ببارتی دارد در صورتی که بعد هم بپیشنهاد خودشان را فرائت کردن تعین همان بارترا داشت و نوشته بودند نظام نامه داخل را تهیه نمود الی آخر حالا از این مسئله می گذریم وباسیل مطلب داخل می شویم اصولاً این جزء پس از شور اول نظریه پیشنهاد آقای فهیم الملک باین ماده علاوه شد و این جزء همان پیشنهادات منتهی کمیسیون پس از مذاکرات و مطالعات زیاد قسمت شورای دولتی را حذف نمود دلیلش هم این است که معلوم نیست شورای دولتی در چه تاریخی ناسبس خواهد شد و نظام نامه آن چه خواهد بود وظایفش کدام است و معلوم نیست که در جزء وظایف داخلی آن تصویب اینگونه نظام نامه ها قید خواهد شد یا خیر و بالاخره ما نمی توانیم موضوع را که حاليه در صورتی عدم است حقی برای آن قائل شویم بنا بر این ذکر شورای دولتی قبل از اینکه صورت خارجی

واینکه از بنده توضیح خواستید نمی توانم در اینجا داخل جزئیات آن بشویم همین قدر عرض می کنم مسکور از این ماده سوء استفاده می شد و بعلاوه شورای عالی معارف کارهای زیادی خواهد داشت و باین جهت طرفیت با مردم و بعضی کارهای دیگر را نمی شود داخل در وظایف شورای عالی معارف نمود و بهین مناسبت سبق سوء استفاده می شد و بسا می شد که شورای عالی معارف مسئولیت را از خود سلب می نمود نظر باینکه بنده در شورای عالی معارف عضویت داشتم عرض می کنم صلاح نیست این ماده در اینجا قید شده و باید حذف شود و اگر در قانون تشکیلات وزارت معارف هم چنین چیزی هست ممکن است در آن به پیشنهاد هود تا آن قانون حذف شود

رئیس — رأی میگیریم بقسمت هفدهم آقایانی که مثل آقای وحید الملک معتقد بحذف هستند رأی نخواهند داد آقایانی که قسمت هفدهم از ماده ۱۲ را تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس — تصویب شد جزء هفدهم
(بعض مون ذیل فرائت شد)

(۱۸) شورای عالی معارف نظام نامه داخل و شب ایالات و ولایات را تهیه نمود پس از تصویب هیئت دولت بموضع اجراء خواهد کذاشت

رئیس — آقای فهیم الملک
(اجازه)

فهیم الملک — بنده در این قسمت دوم ایراد دارم یکی با اصل عبارت این ماده مخالفم و دیگر اینکه این ماده را ناقص می دانم و اما در اصل عبارت یقین دارم که مغایر محترم از جیث ادبیات و انشاء سمت برتری بر بنده دارند و تصدیق می فرمایند که این قسمتها با بکدیگر تناسب ندارند زیرا هر یک از مواد با یک ترتیبی شروع می شود و می نویسد تحویل فلان و فلان ولی در این ماده که شورای عالی معارف نظام نامه خود را تهیه نماید و طرز عبارت با سایر قسمتها فرق دارد بنده راجع باین قسمت در شور اول پیشنهاد کردم ولی طور دیگری بنده در درجه دوم مسکمه اداری است و بمنزله مسکمه استینافی است و احکام صادره از شورا های ایالات و ولایات در اینجا رسیدگی می شود و درجه بالاتر از شورای معارف شورای دولتی است پیشنهاد کردم نظام نامه خود را که تهیه می نماید بعد از تصویب شورای دولتی بموضع اجرایگذاری در صورتی که کمیسیون نهایت قاول شده است که تصویب هیئت دولت بر سر حالا ممکن

اداری بوزیر بناید شورای عالی معارف برای کارهای معارفی است و وظیبه اش کارهای اداری نیست بنابراین سما میشود که از این ماده سوم استفاده می شود و بنده اینماده را زیادی میدانم و ممکن است وزارت خانه یک شورای اداری داشته باشد که در مواقع لازمه طرف شورا زیر واقع شود مخبر — اولاً مودندا بن جزو هفدهم در نظام نامه شورای عالی معارف بوده است و حال آنکه اینطور نیست جزو قانون ۱۳۲۸ اداری وزارت معارف است که درسته مجلس تصویب کرده و از آن قانون باینجا منتقل شود که در جزو ششم از ماده دهم قانون اداری وزارت معارف نوشته شود (معاونت فکری بوزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که بهبیت رجوع نماید) مسئله دیگر باینکه فرمودند از این ماده سوء استفاده می شود و لی توضیح ندادند که چه سوء استفاده هایی می شود بعقیده بنده از این جزء ترکیب هیچ سوء استفاده نمی شود و مقام شورای عالی معارف هم ضرری وارد نمی شود در اینکه در این قسمت شورای معارف میدهد رأی مشورتی است رأی فعلی نیست که با رأی وزیر مراجعت پیدا کنند و نمی شود این جزء را حذف کرد برای اینکه اگر وزیر دریک موقعی خواست دریک مشکلی باشوری عالی معارف مشورت کند هرورای هالی تو اند بگوید حق نداری بام مشورت کنی و حاضر نیست در این زمانه با شما مشورت کنم زیرا ممکن است در روز انتخاب یک امور مهم تولید بشود که حل آن در شورای اداری وزارت خانه ممکن نشود و محتاج بمقام عالی تری باشد و بنابراین آن مقام را شورای عالی معارف فراردادند باز خاطر آقا را بمناسبت ۱۳ که در ذیل همین ماده نوشته شده است متوجه میکنم که همین جزء هفدهم را بانضمام بعضی جزء های دیگر را اشتباه کرده نوشته است رأی شورای عالی معارف در این چند فقره حتی الاجراء نیست از جمله کمکی که بوزیر میدهد و رأی میدهد وزیر میتواند رأی شوری را بقول کند یا رد کند بنابراین تصور نمیکنم از این جزء سوء استفاده بشود

رئیس — آقای حاج میرزا علی بن محمد دولت آبادی ·
(اجازه)

حجاج میرزا علی بن محمد — بنده موافقم
رئیس — آقای وحید الملک
(اجازه)

وحید الملک — قبل از عرض کردم سایق اکه یک شورای عالی معارف داشتیم و یک همچو ماده هم در نظام نامه آن بود ولی هیچ وقت استفاده از آن ماده نمی شد و کاهی هم سوء استفاده نمیشد، شورای عالی معارف یک شورای اداری نیست که یک کمکی در کارهای

و چیزی زیادی نیست وقتی که بخواهند بدیلم ترتیب اثر بدهند آنرا بوزارت معارف میبرند وزارت معارف هم بشورای عالی میگردند که رسیدگی کند آیا این دلیل صحیح است یا خیر؟ در این صورت توضیحی را که آقای مغیر میدهد افزودن این جمله را لازم میگند والا این ماده هم است و نظر ایشان را نمیرساند رئیس رأی میگیریم به پیشنهاد آقای وحید الملک آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند عده قلیل قیام نمودند

رئیس — بل توجه نشد خطاب به آقای مخبر — جزء چهاردهم را بالصلاحی که شد فرائت نمایند بعد رأی بگیریم هیچیز — بنده بخوانم؟ رئیس — بلی
(بعض مون ذیل فرائت نمودند)

رسیدگی کی بذیله های اشخاصی که در خارجه تحریص کرده اند و تشخیص صحت و سقم آنها رئیس — آقایانی که این ماده را با این ترتیب که فرائت شد تصویب نمایند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد جزء پانزدهم
(اظهاری نشد)

رئیس — جزء شانزدهم فرائت می شود
(آقای سهام السلطان بضمون ذیل فرائت نمودند)

(۱۵) حکمیت در مردم کتبی که برای تألیف یا ترجمه از طرف وزارت معارف بعرض مسابقه گذاشته شود و مؤلف یا مترجم آن چاپه داده می شود

رئیس — در این جزء مخالفی هست
(اظهاری نشد)

رئیس — جزء شانزدهم فرائت می شود
(شرح آتی فرائت شد)

(۱۶) تصویب اعطای نشان علمی مطابق نظام نامه مخصوص
رئیس — در این جزء مخالفی هست
(مخالفی نشد)

(۱۷) معاونت فکری بوزیر در هر نوع مسئله مشکل که با آن هیئت رجوع نمایند رئیس — آقای وحید الملک
(اجازه)

وحید الملک — بنده اینماده را زائد میدانم برای اینکه سابق ما یک شورای عالی معارف داشتیم و یک همچو ماده هم در نظام نامه آن بود ولی هیچ وقت استفاده از آن ماده نمی شد و کاهی هم سوء استفاده نمیشد، شورای عالی معارف یک شورای اداری نیست که یک کمکی در کارهای

روزنامه رسمی کشور شانشاهی

این همه وقت را شورای عالی از کجا خواهد آورد بعقیده بنده باید در نظام نامه هائی که شورای عالی معارف برآی شورای های ایالات و ولایات معین خواهد کرد تکالیف آنها را طوری مصروف نماید که آنها بتوانند در قلمرو خودشان مسائلی را که راجع بمعارف است حل و فصل نمایند تا شکایاتی که طهران میرسد بشورای عالی معارف رجوع نشود ولی اگر این امر بشورای عالی معارف رجوع شود چون شورای همانکه عرض کردم وقت زیادی را بیهوده مشغول خواهد کرد و علاوه این شورای معارفی که در طهران تشکیل میشود مرکب از اعضای خواهد بود که اغلب اطلاعاتی راجع بمعارف ایالات ندارند و البته شوراهای جزء بیشتر بصیرت باحوال قلمرو خواهند داشت و شاید احکامی را که صادر میکند که نظریه هائی را که انخاذ میکنند از احکامی که شورای مرکزی صادر مینماید و ثابت باشد.

رئيس - اگر مجلس موافق است بقیه مذاکرات بعده از تنفس محول شود
هیخبر - پس اجازه فرمایند بعد از اتمام ماده دوازدهم تنفس شود
رئيس - عده اشخاصیکا اجازه خواسته اند زیاد است

(در این موقع جلسه برای تنفس تمطیل ویس از نیم ساعت مجدد تشکیل کردید)

رئيس - آقای عمامه السلطنه خراسانی (اجازه)

عمامه السلطنه خراسانی - در بزو نوزدهم از ماده بطور کلی مینویسد تجدید نظر در احکام صادره از شوراهای معارف ایالات و ولایات معلوم نیست که مقصود کلیه احکامی است که از شوراهای جزء صادر میشود یا فقط احکامی که نیست به آنها شکایتی میرسد البته نظر بکمیسیون همان احکامی است که از آنها شکایات میرسد و بهین نظر است که بنده این عبارت را برای اینفای این مقصود کافی نمیدانم و بیشنهادی هم در این موضوع تقدیم کرده ام.

هیخبر - مقصود از جزء نوزدهم این است که هر گاه شکایتی از احکامی که از شوراهای ایالات و ولایات صادر میشود بر سر مرجع رسیدگی آن شورای عالی معارف خواهد بود و شورای معارف بایستی در آن احکام تجدید نظر نماید و عبارت هم دلات براین نمیکند که هر حکمی از شوراهای ایالات و ولایات صادر میشود رسیدگی نماید.

رئيس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده همینطور

دولتی و تصویب هیئت وزراء بموقع اجراء خواهند گذاشت تا زمانی که شورای دولتی تشکیل نشده است فقط تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود

رئيس - آیا این بیشنهاد را کمپرسون می بذرد یا خیر ؟

هیخبر - سبقاً هم این بیشنهاد به کمپرسون رجوع شد ولی کمپرسون نیزیرفت رئیس - رأی میگیریم آقایانی که بیشنهاد آقای فهیم الملک را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

عده قلیلی قیام نمودند

رئيس - قابل توجه نشد جزو نوزدهم بضمون ذیل قرائت شد

۱۹ تجدید نظر در احکام صادره از شوراهای معارف ایالات و ولایات
رئيس - آقای وحید الملک اجازه

وحید الملک - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر ؟

هیخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تعبیر بقانون اداری شده است این جزء نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به ظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمپرسون یک موادی هم با موافقت وزبروقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم بیشنهاد شد و کمپرسون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مرآکن ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنابراین حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئيس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - بنده بازحتماً رأي شورای عالی معارف حذف این ماده را خواهستار میشوم زیرا این وظیفه یکی از آن وظایقی خواهد بود که بدون اینکه هیچ فایده نداشته باشد یک کار فوق العاده برای شورای معارف تولید و بهتر خواهد نمود . شورای عالی معارف مرکب از ده عضو میباشد و باید وظایف خیلی زیادی که چندین صفة این قانون را شامل است انجام دهد و ظایف هم از قبل رسیدگی به کتب و تطبیق آنها با پروگرام تهیه یک وظایفی که تمام مدت بیست و چهار ساعت یک هیئت ده نفری را اشغال خواهد کرد حالا هم علاوه بر تمام این کارها رسیدگی بشکایات که از ولایات میرسد بهده شورای عالی مجهول نماییم . یعنی شورای عالی را یک محکمه استیناقی فراردهیم . نمیدانم

رئيس - عده اشخاصیکا اجازه داد
رئيس - مذاکرات در این جزو کافی نیست

بعضی گفتن کافی است
رئيس - بیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت میشود

بضمون ذیل قرائت میشود
بنده بیشنهاد میکنم که جزو ۱۸ از اده ۱۲ حذف شود بطور ماده ۱۴ عبارت

ذیل در آخر اضافه شود
ماده ۱۴ - شورای عالی معارف نظام

نامه داخلی خود و شب ایالات و ولایات را تهیه نموده و پس از مشاوره شورای

همانطور که آقای مخبر فرمودند بنده جدی دارم که قانون شورای دولتی از مجلس بگذرد چنانکه در کابینه سابق که این مسئله در جزو ۱۰ گرام دولت نوشته شده بود بنده خودم مداخله داشتم و قانون شورای عالی که شورای دولتی ازین قسمت نمی بینم بر عکس تصویر میکنم اگر آقای فهیم الملک جدیتی نسبت باصل تشکیلات شورای دولتی فرمودند ولا بعده آن را بیشنهاد می کردند شاید عملی تر باشد

رئيس - آقای زنجانی (اجازه)

زنجانی - بنده این قسمت را سعی ج نمی دانم نظام نامه داخل شورای عالی معارف هیچ ربطی به هیئت وزراء ندارد هر مجتمعی باید نظم نامه داخلی خود را خودش بنویسد حتی بعقیده بنده وزیر معارف کنم تو اند در آن دخالت نماید زیر نظم نامه داخلی ساخت قیاب و حضور اعضاء رامعن نماید ولی مراد از این نظم نامه است که طرز اجرای وظایف قانونی شورای معارف را معین نماید بنما بر این باستی لفظ داخلی را حذف نمود و فقط نظم نامه تنها نوشت

رئيس - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - او لا نسبت بفرمایشات آقای زنجانی نظم نامه داخلی اینطور که ایشان فهمیده اند نیست بلکه نظم نامه داخلی طرز اجرای قانون را بیان می نماید و همان ساعت حضور و غایبی را که ایشان

فرموده اند از این نمیشود قائل شد که بدون تصویب مقام بالا تری باشد زیرا ممکن است آنها در خانه های ایشان بنشینند و کار گفته بنا بر این باید نظم نامه بتصویب وزیر معارف و مقامات عالی تری برسد .

اما راجع بفرمایشات آقای مخبر ایراد بنده راجع بمنقصت های باری برای این بود که در جزو قسمتهای مختلفه این قسمت هم نوشته شده بود ولی در صورتی که یک ماده علیحده نوشته شود آن عیب را ندارد اما اینکه فرمودند چون شورای دولتی وجود ندارد باینچه هست اسش را هم نباید بر دنبه مخالفم ذیرا در قانون اساسی از ابتداتا انتهی تمام قوانین را موکول بتصویب مجلس شورا و مجلس سنای نموده و بعد در يک ماده تصریح میکند که تاوقتی که مجلس سنا تشکیل تصویب « مجلس شورای ملی کافی خواهد بود و ابدآ ملاحظه نکرده اند که چون مجلس سنا موجود نباید این اول باید تعیین نمود که

قوانین باید چه مقاماتی را طی گفداصراری که بینده راجع باضمامه شدن تصویب شورای دولتی در این قسمت دارم برای این است

قابل توجه نشد اصلاح آقای تنکابنی
فرائت میشود

(بضمون ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده

۱۹ اضافه شود و قصص و ابرام آنها

و قیس — آقای تنکابنی توضیح

بدهد.

آقا هیرزا طاهر تنکابنی — از

مفاسد صعبت آقایان اینطور مفهوم میشود

که میفرمایند از تجدیدنظر یک ابهامی

هست و معلوم نیست بعد از تجدیدنظر در

نتیجه آن چه خواهد شد لذا بنده پیشنهاد

میکنم لفظ نقص و ابرام اضافه شود که هم

موضوع را تصدیق و هم نتیجه را ثابت

نمایم.

مخبر — گمان میکنم نقص و ابرام

هم در حکم صحت و سقم و باقید کلمه شکایت

باشد چون نمیتوان از طرف کمیسیون

قبول نمایم لذا واکنار به رأی مجلس

مینمایم.

رئیس — رأی میگیریم بپیشنهاد

آقای تنکابنی آقایان بکه قابل توجه میدانند

قبای فرمایند

(عده قلبلی قبای نمودند)

رئیس — قابل توجه نشده رأی میگیریم

بقسمت نوزدهم از ماده دوازدهم آقایان بکه

تصویب میکنند قبای فرمایند

(غلب قبای نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده دوازدهم

که شامل نوزده قسمت بود یک یکمدا کره

ورأی گرفته شد و قسمت چهارم همانطور

که خاطر آقایان مسبوق است اصلاح

شد حالا باید بکلمه ماده دوازدهم رأی

میگیریم.

حجاج شیخ اسدالله — اجازه

میفرمایند؟

رئیس — بفرمائید

حجاج شیخ اسدالله — بنده یک

پیشنهادی راجع بر ظایف شود ای عالی در

شور اول نمود و تقاضا نمود جزو ظایف

شورای عالی اضافه شود

رسیدگی بکتب و تأیفات و تصنیفاتی

که اجازه طبع آن ازو زارت معارف خواسته

میشود در اینجا فقط رسیدگی بتأیفات و

تصنیفاتی که راجع بمدارس است ازو ظایف

شورای عالی معارف فرارداده شده و همچ

ذکری از سایر تأیفات نمایند در صورتی که

بنده تصور میکنم شورای عالی معارف

بهترین محلی باشد که باین قبیل چیزها

رسیدگی نماید البته آقای مخبار توضیح

خواهد داد که جهه اینکه آن قسمت را مسکوت

عن گذارده اند چیست

مخبر — آن قسمت که میفرمایند راجع

است با اداره مطبوعات در قانون مطبوعات

میشود و بعد رأی میگیریم.

(بضمون فوق فرائت شد)

مخبر — اولاً تجدیدنظر در صورتی

است که بخواهند رسیدگی واگرخواهند

رسیدگی نمایند تجدیدنظر معنی نخواهد

داشت وابنای هر وقت شکایتی نرسد باید

تجددنظر شود و اگر حکمی صادر و

شکایتی نسبت بآن بشود دورای عالی

معارف مجبور نیست آنها را رسیدگی نمایند

بنا بر این بعده بنده این همارت کافی

است.

رئیس — رأی میگیریم بقابل توجه

بودن پیشنهاد آقای عادالسلطنه آقایان

که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند

قبای فرمایند.

(عده قلبلی قبای نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد پیشنهاد

آقای محمد هاشم میرزا گمان میکنم لازم

باشد مجدداً فرائت شود

محمد هاشم میرزا — بنده

توضیعی دارم

رئیس — بفرمائید

محمد هاشم میرزا — پیشنهاد

بنده با توضیح آقای مخبار مطابق است

ذیراً بنده هم معتقدم که اگر شکایتی نرسد

تجددنظر نخواهد بود ولی چون تجدید

نظر مطلق در قانون منطق ندارد و معلوم

هم نیست که تجدیدنظر در چه مورد

خواهد بود لذا صور میکنم عجیب نخواهد

داشت عبارت (در صورت شکایت) بر این

قسمت اضافه شود تا رفع سو عنفاهم هم بشود

و همان مقصود آقای مخبار هم تأمین خواهد

شد.

مخبر — مقصود بنده همان بود که

عرض کردم و حال هم تکرار میکنم که تجدید

نظر در احکام صادره از شورای ایالات و

ولايات در صورتی است که شاکی داشته باشد

و بنده عرض همین عبارت کافی است و

اضافه کردن عبارت دیگر زاید است در

قوانین عدایه که یک وظایفی برای معاکم

استیناف ویک وظایفی برای دیوان عالی

تمیز تعیین شده بدیهی است در صورتی که

کسی از حکم بدلایت شکایت داشته باشد

با استیناف هر ضحال مبدهد و از استیناف به

دیوان تمیز شکایت میکند پس بایستی در

قانون هدیه هم نوشته شود بداد کاهش کایتی

از استیناف بررسد دیوان عالی تمیز بایستی

رسیدگی نماید و حال آنکه بعده بنده این

مسئله حشو وزاید است و کلامی که همچ

عنوانی ندارد و زاید است باید در قانون

ذکر شود والابنای منکر مطلب نیستم

رئیس — رأی میگیریم آقایان که

پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قبایل

میدانند قبای فرمایند

(عده قلبلی قبای نمودند)

این قسمت اضافه شود در آخر ماده،

(در صورتی که شکایتی رسیدگی محمد

هاشم میرزا

جزء (۱۹) از ماده (۱۲) بشرح ذیل

بیشنهاد مینماید:

تجددنظر و نظر در احکام صادره از شوراهای

ایالات و ولایات و بعقیده بنده مقصود این

است که اگر حکمی صادر شد رسیدگی نمود

اگر صحیح است قبول والا رد نماید بنابر

این بنده پیشنهاد میکنم و استدعا میکنم

که آقای مخبار قبول فرمایند که در ذیل

این جمله نوشت شود تجدیدنظر و تخصیص

صحبت و سقمه احکام صادره از شورا های

معارف ایالات و ولایات

که در قسمت اول قدری توضیح را قائل

بودم در این قسمت هم همین طور توضیح

قابل میباشد در قسمت نوزدهم مینویسد

تجددنظر در احکام صادره از شوراهای

ایالات و ولایات و بعقیده بنده مقصود این

است که اگر حکمی صادر شد رسیدگی نمود

که آقای مخبار قبول فرمایند که در ذیل

این جمله نوشت شورا های ایالات و ولایات

معارف ایالات و ولایات را از شورا های

رئیس — آقای فهیم‌الملک

(اجازه)

فهیم‌الملک — بنده با فرمایشات

آقای مسؤول ایالات و ولایات مخالفه میکنم

نقشه نظر ترجم و زیادی کار اعضا شورای

عالی بایستی این ماده حذف شود بعقیده

بنده نمیشود در قانون این قبیل چیز هارا

مدرك فرارداد تجدیدنظر در احکام صادره

از شورا های ایالات و ولایات یکی از

وظایف حتمی و تکالیف مهم شورای عالی

معارف است زیرا همانطور که رسیدگی

بسکایات معلمین مدارس وغیره از وظایف

شورای عالی است همانطور هم نمیتوان قابل

شدکه احکامی که از شوراهای محلی صادر

میشود تجدیدنظر بشود بلکه بعقیده بنده

هرقدر هر حکم از روی صور خوب است پیشنهاد

اصفهانی مدارس وغیره از وظایف

رجیس — بفرمائید

باید در چین بیک هده تعلیم شود این خیلی خوب است ولی باید وسائلش نیز موجود باشد البته باید این نظریه را داشت اگر وسائلش موجود باشد وزیرهم موافقت خواهد کرد و موقع اجرا گذاره خواهد شد اما اگر وزیر موافقت نکرد موقع اجرا گذاره خواهد شد

رؤیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آفاسید یعقوب - بنده در جواب آقای حاج شیخ اسدالله و حاج میرزا علی محمد من خواهم هرض کنم اگرچه آقای مخبر کاملاً جواب دادند لیکن اهتمام و سعی و مشورت اینجا یک قفل خارجی هستند که حتمی الاجراء باشد حتمی الاجراء نسبت بیک فعلی است که در خارج تعاقق پیدا کند آنوقت بگویند آقای وزیر تو مأمور هستی این را در خارج موجود کنی اهتمام بیک معنی است قائم بذات وزیر نمی تواند موقع اجرا گذارد این معانی یک چیز های موجوده در خارج بینند که بگویند حتمی الاجرا است و اینکه آقای دولت آبادی می فرمایند جزء هیچدهم بعد از تصویب هیئت دولت موقع اجرا گذاشته خواهد شد ممکن است اینکه وزیر معارف یکی از اعضاء هیئت دولت است چون شورای عالی معارف باید نظام نامه برای خود معین نماید لازم است بعد از آنکه شورای عالی معارف رای ماده تصویب هیئت دولت رسید موقع اجرا گذاره شود البته وقتی هیئت دولت موافقت نمود حتمی الاجراء خواهد شد

رؤیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حجاج شیخ اسدالله - فرمایشات آقای سید فلسفی و منطقی بوده ولی بنده نفهمیدم راجح بفرمایشات آقای تدبین هم نسبت بقسمت هفتم یا هشتم بنده تمجب کردم می فرمایند شاید شورای عالی معارف تصویب کرده بود چه وزارت معارف ده یا بیست کرود باشد مثل اینکه شورای عالی معارف مجلس شورای شورای ملی است وزیر معارف که بود چه معین می کند نظریات شورای عالی معارف را دخالت می دهد و بمجلس شورای ملی پیشنهاد می کند تصویب بودجه از مشخصات مجلس شورای ملی است و اگر نسبت بدارات یا دایر وزارت تخصصی مدars ابتدائی یا متوسطه اختلاف نظری باشد شورای عالی معارف دخالت می کند و دخالت او برای پیشرفت معارف اصلاح است حالا می گویند اگر چنین رأی داد قابل اجرا نیست مثل اینکه ما آمده ایم شورای عالی معارف را قانونگذار فرض کرده ایم و اختیارات مملکت را برخلاف قانون اساسی باوداده ایم و اوهم هیچدهم کرود

براینکه تولید اشکالات میکند به حدود مسئولیت وزیرهم ممکن است بر بخورد باین جهت موافقت وزیر و هیئت دولت در این مواد شرط است اما در قسمت های دیگران شرط لزومی ندارد.

مثلاً جزو چهارم که میگویند تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تخصیبات علمی و فنی مدارس ذکور و انان و نظام نامه ای مدارس چون در اینجا بایدیر گرام بنویسد و دستور معین آنکه موافقت وزیر شرط نیست.

جزء پنجم که میگویند تهیه دستور تخصیبات مدارس معلمین و معلمات و نظام نامه های راجعه بآنها اینجا که رأیش حتمی است خواه وزیر موافق باشد خواه نباشد؛ همین طور است جزء ششم و هفتم و اما جزء هشتم میگویند مشارکت باوزیر معارف در تهیه بودجه و مراقبت در مصارف کلیه وجوه مصوبه اگر چنانچه شورای معارف آمد و گفت بودجه وزارت معارف امساله بایدده کرود باشد البته از نقطه نظر آمال و آرزو صحیح است لیکن باید دید همی است یا خیر؟ واگرهم وزیر معارف موافقت بحکم باید دید دولت و مجلس موافقت میکند یا نه؟ وسائل آن موجود هست یا خیر؟ این چیزها مانع این است که بگوئیم رأی شورا حتمی الاجرا باید باشد.

جزء نهم رفع اختلافات تعیین مدارس و اصلاح مکتب خانه های موجود و این جا رأیش قطعی است.

جزء دهم تعیین مصرف وجوه فوق العاده که برسم هدیه و اعانه به مصارف میرسد و وجود موقوفاتی که قانوناً باختیار وزارت معارف گذاشته میشود و تعیین شهریه شا آردان مدارس غیرمجانی دولتی اینجا رأیش قطعی است.

یازدهم دوازدهم سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم نیز رأیش قطعی است جزء هفدهم میگویند معاونت فکری وزیر در هر نوع مسئله و شکلی که آنها نیست رجوع نماید هر موضوع که بنظر وزیر مشکل باید با آنها مشورت میکند و رأیشان مرحله از ده نفر هضو رسی ده نفر افتخاری و وزیر و معاون است و رأی آن باید حتماً موقع اجراء گذاشته شود جهت ندارد حتمی الاجراء نباشد.

هخبار - اولاً در ماده سیزدهم (رأی شورای عالی معارف) نوشته شود و تصدیق خواهد فرمود که موافقت وزیر حتماً فرط است برای اینکه ممکن است در همین جزو اول و دوم و سوم شورای عالی معارف یک رأی بدهد که انجامش برای وزیر فیر مقدور باشد.

پس ما بگوئیم حتماً باید اجراء شود و رأی او قطعی است؟

خیر مثلاً اهتمام در ترویج خطوط بان و ادبیات فارسی و عربی و نشر مقالات علمی عام المنفعه.

حالاً گر شورا آمدورای دادخط و زبان فارسی

تصویب هیئت دولت معنی نداشت و چون تصویب هیئت دولت شرط شده رایش حتمی الاجرا نیست مگر موقعی که بین هیئت وزراء و شورای معارف موافقت حاصل شود و در صورت توافق نظر هیئت دولت و شورای معارف حتمی الاجرا خواهد بود

رؤیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

Hajj Shīkh Aṣ-ṣadāḥ - Mādah-e-sīzdeh mīnōyid ۱۷-۸-۳-۲-۱ - Fiqh-e-Qurān - ۱۷ و ۱۸ حتمی الاجراء است فقره اول میگویند اتمام در ترویج خط و زبان و ادبیات فارسی

و عربی و نشر مقالات علمی عام المنفعه فقره دوم - سعی در تهیه موجبات تحکیم مدارس و مدارک مقدمات تعلیم اجباری و مجانی

فقره سوم - مشورت در رفع تقاضا نیست برای اینکه ترتیب فصل بندی این لا بعده منظم باشد و رفع اشکال و ابهام بشود

که میگویند در نظر گرفت لفظ خاتمه را هم ملاوه کنند باین ترتیب که قانون شورای عالی معارف مشتمل بردو فصل دوم در ماده سیزدهم موجبات شورای عالی میگویند خواهد بود. و فصل دوم که راجع بروایف شورای عالی میگویند موجبات شورای عالی میگویند از ماده دوازدهم نوزدهم

از ماده سیزدهم خواهد بود و قبل از ملاوه می شود آنوقت ماده سیزدهم و ماده الحافیه که ماده چهاردهم میشود در ذیل آن نوشته می شود و این دو ماده جزو خاتمه خواهد بود. از نقطه نظر فصل بندی و ملاوه می شود آنوقت ماده چهاردهم میگویند این ترتیب صورت قانون نظر که میگویند این است که اینطور نوشته شود لذا بنده توضیح دادم که اگر آقایان تصور که میگویند همین طور نوشته شده.

رؤیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

Hajj Mīrzā ʻAlī Muḥammad - Mādah-e-sīzdeh mīnōyid ۱۷-۸-۳-۲-۱ - Fiqh-e-Qurān - ۱۷ و ۱۸

از جمله موادیکه می گویند رأی شورای

عالی معارف در آن قطعی نیست چزو هیجدهم

ماده دوازدهم است که می گویند شورای

عالی معارف نظام نامه داخلی خود و شب

ایلات و ولایات را بهتر نمود، پس از تصویب

هیئت دولت به موقع اجرا خواهد گذاشت

اگر بنا باشد در این قسمت رأی شورا

قطعی نباشد معلوم میشود هر یک از مواد نظام نامه را هیئت دولت تصویب نکرده باشد

مغایر - یک تذکراتی اخیه آبرای

که میگویند معارف در جلسات خودشان حاصل شد و در نتیجه یک موضوعاتی را در نظر گرفته اند این است که محض نه کر خاطر آقایان هر چون نوشته شده است قانون شورای

عالی معارف مشتمل بردو فصل است فصل اول در تشکیلات فصل دوم در روایات و ماده سیزدهم جزو فصل دوم نوشته شود در

صورتیکه جزو وظایف شورای عالی معارف

نیست برای اینکه ترتیب فصل بندی این لا بعده منظم باشد و رفع اشکال و ابهام بشود

که میگویند در نظر گرفت لفظ خاتمه را هم ملاوه کنند باین ترتیب که قانون شورای

عالی میگویند موجبات شورای عالی میگویند خواهد بود. و فصل دوم که راجع بروایف شورای عالی میگویند از ماده سیزدهم نوزدهم

از ماده سیزدهم خواهد بود و قبل از ملاوه می شود آنوقت ماده سیزدهم و ماده الحافیه که ماده چهاردهم میشود در ذیل آن نوشته می شود و این دو ماده جزو خاتمه خواهد بود. از نقطه نظر فصل بندی و ملاوه می شود آنوقت ماده چهاردهم میگویند این ترتیب صورت قانون نظر که میگویند این است که اینطور نوشته شود لذا بنده توضیح دادم که اگر آقایان تصور که میگویند همین طور نوشته شده.

رؤیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

Hajj Mīrzā ʻAlī Muḥammad - Mādah-e-sīzdeh mīnōyid ۱۷-۸-۳-۲-۱ - Fiqh-e-Qurān - ۱۷ و ۱۸

از جمله موادیکه می گویند رأی شورای

عالی میگویند در آن قطعی نیست چزو هیجدهم

ماده دوازدهم است که می گویند شورای

عالی میگویند نظمام نامه داخلی خود و شب

ایلات و ولایات را بهتر نمود، پس از تصویب

هیئت دولت به موقع اجرا خواهد گذاشت

اگر بنا باشد در این قسمت رأی شورا

قطعی نباشد معلوم میشود هر یک از مواد نظام نامه را هیئت دولت تصویب نکرده باشد

مغایر - اگر جمله آخر چزو هیجدهم

یعنی عبارت پس از تصویب هیئت دولت

بموقع اجزاء خواهد گذاشت نمی شود حق با

آقا بود زیرا وقتی در اینجا چزو هیجدهم

را حذف کنیم اینطور تفسیر می شود که

رأی شورای میگویند میگویند هر یک از مواد

در اینصورت دیگر موقوف و موکول کردن

شاید زودتر به مقصود بررسیم این یکی از علی مخالفت بند است و با اینکه اصولاً موافق یکی دیگر اینکه اینماده لعاقب فقط وجود این شوری را تصدیق میکند دیگر هیچ وظایف و ترتیبی برای اینمین نشده ولی شب آنرا توشه است مطابق قانون مخصوص تشکیل میشود آیا باید برای مرکز شوری وظایفی معین نشود اگر باید شورای وظایفی برایش معین شود این عبارت نارسا است و عقیده بند بهتر این است اگر هوض و شب این شوری مطابق قانون مخصوص دایرخواهد شد (زیرا این عبارت اینطور مینماید که مرکز قانون مخصوصی لازم ندارد دیگر اینکه از جمله چوزهایی که بند میخواستم بادآوری کنم این است که بشکل ماده العاقب اضافه کنیم که عضویت این شوری هم مثل شوری عالی معارف مجانی است زیرا مسئله معارف و معلم یک چیزی است که اجرت قابل آنها نیست و اگر نامدارانی خود را بیک معلم بدهیم ابداً ضرر ندارد و بازهم معلم طلبکار است بدین پشتانه ما اینجا قدرش را کم مبدانیم و بیست و یکتومان میدهیم آنهم هفت هشت ماه بتأثیر میبازم توصیل علم جزء عبادات است درس دادن هم جزء عبادات میباشد شارع مقدس هم اجرت را برای عبادات صحیح ندانسته پس این مزدیسکه باوداده میشود باید گفته شود هدیه ناقابلی است که بعلم داده مشود و بعنوان رفع خسارت است و خوب نیست راجع باین اشخاص هر ما این شرایطی که درباره آنهاز کریمی شود این مسئله مهم بمانه بیتر آن است همانطور که بند پیشنهاد کرده ام در اینجا قید شود که عضویت آفایان هم برای خدمت بملکت و اسلامیت و ترقی معارف مجاناً و بلاهوض خواهد بود بازهم متندا کر میشوم که اساس این شوری هم باید مطابق بیک قانونی باشد و همان شرایطی که برای اعضای شوری معارف لازم بود برای اینها هم شرایطی که لازم است باید معین شود مقصود این احت اینها نوافصی است که این ماده دارد و باید رفع شود

رئيس - چون جمعی از آفایان اجازه خواسته اند بایه مذاکرات میمانند بجلسه دیگر پیشنهادی هم از طرف عده آفایان رسیده مبنی بر اینکه طرح قانونی راجع بعد توقف مأمورین سیاسی در خارجه جز دستور امشب گذاشته شود رأی میکنیم آفایانیکه تصویب میکنند چزو دستور امشب گذاشته شود قیام فرمایند (عده قلیلی نمودند)

رئيس - تصویب نشد تلگرافی هم از اصفهان رسیده است قرائت میشود بعد مجلس راختم میکنیم

در ترقی علوم دینیه در تعدد نظر و مراقبت وزیر معارف شورایی بترتیب دیل تشکیل خواهد شد از علماء درجه اول سه نفر از مدرسین درجه اول منقول و معقول دونفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول دونفر و شورا مطابق قانون مخصوص در مرکز ایالات و ولایات دائز خواهد گردید

رئیس - آفای سلیمان میرزا (ابازه نطق)

سلیمان میرزا - بند با این قانون مخالف هستم هر چند قبل از اینکه سوه تقاضم نشود هر چند میکنم متفقی آذوی بند این است که مدارس ماحقیقت‌نمایل مدارس مصر و سایر ممالک اسلامی اداره بشود و احتیاجات مارا کاملاً انجام بدهد والبته متفقی آذوی هر معارف خواهی است که معارف مملکتی و وزبروز ترقی کنده‌لی شخصی که در این مدارس علوم دینیه مملکتی در او تدریس میشود و البته ترویج علوم دینی متفقی آمال هر متینی است ولی باهم این موافقتها که دارم مخالف بند از ذوقه نظر است اول اینکه همانطور که عرض کردم معارف رایک شاخه گلی میدانم که در هر جا که بروید کل است و بوی خوش خودش را خواهد داد و اطراف خود را مطر خواهد کرد خواهد در این اطاق درس بخواهند خواه در آن اطاق اسماش مدارس قدیمه باشد یا مدارس جدیده همان نتیجه که ترویج معارف عمومی است باید گرفته شود و معارف مملکت اسلامی هم پیشرفت نجواه کرد مگر اینکه اهالی بدانند چه میکند باهم این ترتیبات اشکالی که بند دارم این است که متأسفم چرا باید ما ازحالا قائل شویم بایشکه در یک مدارس علم قدیم تدریس و اسماش را بگذرانیم مدارس قدیمه بند که هیچ تفاوتی نمی بینم اساس تمام مدارس بر روی معلومات است والبته مطابق اصول اسلامی خواهد بود متفقی مدارس قدیمه که اسم برده میشود مدارس عالیه است که در آنها فقه و اصول و سایر ترتیبات تدریس میشود بنابراین بند بهتر میدانم که شوری یه‌کی شود و زحمتی برای وزیر معارف تولید نشود که گاهی در این شوری حاضر شود و گاهی در شورای دیگر گاهی این شوری بیک دای بدهد گاهی آن شورا رأی دیگری بدهد هر دو برای توصیل است مگر در مدارس دیگر کتاب دینیه تدریس نمیشود بلی در این صورت پهرا باید شوری معارف دو تا باشد که آنوقت در این موضع این شوری یک رأی بدهد و آن شوری یک رأی دیگری بدهد و در آنیه یک اختلافاتی تولید هود و مابکر دیگر کتاب دینیه تدریس نمیشود بلی در این صورت این دعوی را بکند ولی اگر دوشوری یکی بشد چون مقصود و مقصد بکی است

میرزا سید حسن کاشانی است رئیس - توضیح بدید آقا میرزا سید حسن کاشانی قانون کنوشته می‌شود استثناء نباید داشت باشد زیرا قانون باید در مرکز و ایالات و ولایات هم چا اجرا شود برای چه باید برای آنها حتمی الاجراه نباشد آفای مخبر فرمودند بعضی اشکالات فراهم می‌شود که کوژبر از عده اجرا نمی‌تواند برآید باین جهت بند پیشنهاد کردم با موافقت وزیر باشد

مخبر - بند ماده سیزدهم را یک مرتبه دیگر می‌خواهم مینویسد آی شورای عالی معارف در غیر فقرات ۱ و ۲ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ از ماده دوازدهم جمیع الاجراء خواهد بود تصور میکنم این مقصود را این ماده با توضیحاتی که بند دادم در بردارد و در غیر این فقرات حتمی الاجراه است یعنی موافقت وزیر شرط نیست و در اینجا که مستثنی شده موافقت وزیر شرط است و اینکه می‌فرمایندیک عده داشمند در اینجا حاضر ند وزیر هم حضور دارد باید رأی آنها حتمی الاجرا باشد بند نمی‌توانم قبول کنم زیرا این قسمتها بمسئلیتی که وزیر در مقابل مجلس شورای ملی مجبور باستیضاح شد تکلیف چیست . اگر نباشد این قسم را تصدیق کنم لازمه اش این است که باید سلب حقی از وزیر کرده باشیم و در اغلب قوانین هم استثناء هست و اگر ملاحظه فرمایند در قانون اساسی هم خیلی از جایها استثناء دارد و می‌گوید این حکم باید اجرا شود مگر در فلان مورد مقصود این است که در غیر فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ از ماده دوازدهم رأی شورای عالی معارف در صورتی که وزیر موافقت نکند بموقع اجرا گذارده می‌شود ولی در این فقرات رأی شورا حتمی الاجراه نیست مگر اینکه وزیر موافقت نکند رئیس - این پیشنهاد مجدداً قرائت می‌شود و رأی می‌گیریم (پیشنهاد آفای میرزا سید حسن کاشانی مجدداً قرائت شد)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - توضیحاتی که آفای مخبر دادند بند را قانع کرد و پیشنهاد خود را استرداد مبنی‌ایم رئیس - پس دیگری می‌گیریم (بعضی‌ونو ذیل قرائت شد) بند پیشنهاد می‌کنم که ماده سیزدهم این‌طور نوشته شده رأی شورای عالی معارف در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ با موافقت رأی و عقیده وزیر حتمی الاجراه است سهام السلطان - پیشنهاد آفای

بودجه معارف را نوشته و قابل اجرانیست آنوقت چه کنیم ؟ کارمی کنیم اگر اینطور شده مجلس رد می‌کند و انگهی اگر اعضا شورای عالی معارف یک اشخاصی باشد که آنقدر مطلع نباشد لیاقت همیشه بیشتر ای اعضا عارف را ندارند دیگر اینکه یکی از چیزهایی که در این لایحه ذکر نشده و در شور کلی عرض خواهم کرد و این است که شرایط دخول اعضاء شورای عالی معارف را نوشته اند ولی شرایط انصاف آنها را نوشته اند که اگر اعضا شورای عالی معارف بوجیمه خود عمل نکردند چه باید کرد و اما راجح بقسمت اول و دوم و سوم که راجح بتوجه معاشر و پیشرفت معاشر است بعد از آنکه خود وزیر هم در شورای معاشر سمت ریاست را دارد و حاضر است اگر هر آینه شورای عالی معاشر تصویبی اتخاذ کرد جهت اینکه نبایه اجرا بشود چه چیز است ؟ اگر می‌فرمایند شورای عالی معاشر از اوضاع مملکت اینقدر بی بصیرت است که مثلاً تحصیل اجباری را بدون اینکه وسائلش فراموش باشد رأی می‌گیرد آنوقت چه خواهد شد ؟ خود وزیر معاشر در شورا هست شرایط اشخاصی را هم که در اینجا هستند قبلاً شما نوشته اید که باید اشخاص هالم و داشمند وبصیر بمقتضیات باشند و لیاقت داشته باشید البته چنین اشخاص بصیری که بیست نفر دریک مجمع می‌نشینند و با مقتضیات وقت نظریه برای پیشرفت معاشر اتخاذ می‌کنند نباید افکار آنها را فلنج کرد و بوزیر معاشر حق داد که بتواند بگوید من نمی‌خواهم نظریات شما را اجرا کنم شما زحمت کشیدیده‌منون هم هستم اما باید در بوته اجمال بماند وقتی ما شورای عالی معاشر را با این ترتیب تشکیل می‌دهم اگر بنظرشان رسیدیک قدمهای برای پیشرفت معاشر با مقتضیات وقت بردارند باید حتمی الاجراه باشندینه از نقطه نظر توسعه معاشر بخود حق می‌دهم که هر چیز کنم باید قسمت اول و دوم و سوم را از این ماده خارج کنند و نسبت ببودجه اینقدر اهمیت نمی‌دهد و تصویب باشند

رئیس - پیشنهادی دیگری دارد امضاه ندارد و پس از قرائت معلوم میشود از طرف کیست (بعضی‌ونو ذیل قرائت شد) بند پیشنهاد می‌کنم که ماده سیزدهم این‌طور نوشته شده رأی شورای عالی مuarف در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ با موافقت رأی و عقیده وزیر حتمی الاجراه است سهام السلطان - پیشنهاد آفای

ناده
این
ممت
لوق
چه
بر
گر
بز
ن
ه
د
ت
س
.
.

فراری که شنیده میشود لوازم خیلی زیادی است چنانکه یک روز خدمت آفای سه‌سالار اعظم بود فرمودند وقتی که من والی ایالت آذربایجان بودم یک روز برای سرکشی بانپارهای اسبابهایی که از رویها باقی مانده بود میرفتم در راه شرفخانه بعضی تیهای کوچک بنظر من رسیدم این تیهها چیست؟

کفتند تیه نیست سیمهای تلگراف است که در روی هم چیده‌اند این بود که خواستم بیینم از طرف وزارت یست و تلگراف برای جمع آوری آنها اقدامی شده است یا خیر؟ واما آن سیمهای دائز که فرمودند همینطور است ولی یک سیم دیگری که خیلی محل توجه و متعلق بخود ایرانی هاست و فعلا در دست انگلیس‌ها میباشد آن سیمی است که از مشهد پس‌ستان کشیده شده است این سیم چون از یک طرف بروسیه و از طرف دیگر بهندوستان وصل میشود خیلی اهمیت دارد.

این سیم در زمان استبداد یعنی در زمان مغول‌الدوله به خارج خود ایران کشیده شده است رویها تقاضا کردن که چون این سیم در روسیه هم کار میکند حفظ و تعمیرات آنرا به عهده آنها واکذار نمایند بعد از آنکه نظامیان روس بایران آمدند آن سیمهارا چهراً ضبط کردند و وقتی که نظامیان روسی رفته‌اند آن سیم‌ها بدلست نظامیان انگلیس افتاد بعد از آنکه نظامیان انگلیس هم کوچ نمودند آن سیم‌ها را انگلیس‌ها من غیر حق بدست دارند علت نداد سیم باین معنی که هم بروسیه و هم بکرمان و هندوستان وصل میشود درست انگلیس‌ها باشد البته توجه خواهید فرمود که این سیم از دست انگلیس‌ها خارج شده و بتصرف دولت هایه درآید.

اما آن سیمی که فرمودند بتوسط خود انگلیس‌ها دائز شده است چون فرمودند کدام سیم است لذا بندۀ برای استعضا خاطر ایشان عرض میکنم که آن سیمی است که از کرنند بقره تو کشیده شده است و آنها مدعی هستند که این سیم را نظامیان آنها کشیده‌اند.

لهذا باید تحقیق شود اگر متعلق به ایران است که باید دولت تصرف کند و اگر متعلق بایران نیست هر طور که صلاح می‌دانند خوبی داری نمایند.

(خود انگلیس‌ها ابدآ بآن سیم حق ندارند).

سردار مفخم — بندۀ تصدیق میکنم و این سؤال که کردم برای این بود که شنیدم میخواهند آن سیم را باداره تلفن بفرمودند.

لذا عرض کردم که حق ندارند و در هر صورت باید به دولت ایران واکذار نمایند.

وزیر پست و تلگراف — راجع

سایر آفایان دیگر موضوعی ندارد (گفته شد صحیح است)

رئیس — آفای سردار مفخم راجع به سیمهای دائز و بازیاری که رویها بدولت انتقال داده‌اند سؤالی دارند سردار مفخم — سؤال بندۀ صدقه بود که بود که در چند روز قبل به مقام محترم ریاست تقدیم کردم یک فقره آن همین بود که گفته شد و بندۀ دیگر داخل درایش و موضوع نمی‌شوم.

دو فقره دیگر آنرا اگر اجازه بفرمایند

هرض کنم یکی در باب سیمهای دائز و سایر لوازم تلگرافی که از رویها بدولت هایی منتقل شده که میباشند وزارت تلگراف ضبط و جمع آوری نماید آیا از طرف دولت بانها رسیدگی شده و تصرف نموده‌اند یا خیر و نیز چند رشتۀ از سیمهای دائز دولت علیه و سیمهای خود رویها که در دست نظامیان روس بوده و بعد از رفتن آنها انگلیس‌ها تصرف و دخالت کرده‌اند آیا باختیار اداره تلگرافی دولت علیه در آمده است یا خیر؟

وزیر پست و تلگراف — راجع به آن

سیمی که از فروین به‌مدان واز همدان به کراما شاهان ممتد است و در موقع انقلاب و در دست تلگرافی‌های خارجه بوده است بندۀ وقتی که وارد شدم بعضی اقدامات کردم و آن سیم‌ها تماماً بتصرف دولت ایران درآمد و فعلا در دست خود ایرانها است و ای بکرشته سیم است که خود انگلیس‌ها دایر نموده‌اند و نظامیان آنها کشیده‌اند آنرا هم مشغول اقدامات هستیم که از آنها بخریم و بتوسط وزارت امور خارجه مذاکرات لازمه شده است و دور نیست تا آخر حوت تبعه مقصوده بدلست آید ولی یازده خط سیمهای تلگرافی است که از طرف روسها بدولت ایران واکذار شده است و فلامه در تصرف وزارت پست و تلگراف است بندۀ آنرا میخواهیم

جلغا بخوی یازده فرسخ و نیم خوی بسلاماس هفت فرسخ — سلاماس بازومیه یازده فرسخ و نیم ارومیه به محمدیار ده فرسخ و نیم محمدیار باز جلاع شش فرسخ — خوی به شرق‌خانه نه فرسخ — خوی بقره علی‌بنی دوازده فرسخ — قرده علی‌بنی بما کو بینچ فرسخ — ماکو به اربیل هفت فرسخ و نیم — دشت بقزوین بیست و شش فرسخ — فزوین باوج شانزده فرسخ.

این سیم‌ها تمام بتصرف ایران در آمده است و تلگرافی‌های ایرانی با آنها مشغول مخابرات هستند

سردار مفخم — عرض کردم یک مقداری از سیم‌های باز و سایر لوازم تلگرافی که از رویها بدولت ایران واکذار شده است و باستی جمع آوری شود و از

قبل از اینکه داخل دستور بشویم چند فقره سؤالی که قبلاً نوشته شده بود از آفای

وزیر پست و تلگراف میشود بعد داخل در دستور میشویم آفای میزاعلی کازرونی و آفای مستشار‌السلطنه و آفای رئیس‌التجار مفخم و آفای امیرناصر و آفای رئیس‌التجار و آفای عادالسلطنه راجع بکنترات مسیو مولیتر سؤالی داشتند

آفای آفای میرعلی کازرونی

(اجازه)

آفای آفای میرعلی کازرونی — در

حقیقت بندۀ این سؤال را از جانب اکثر نمایندگان مینمایم (بعضی گفته اتفاق است) نظر بینکه مدت کنترات مسیو مولیتر چندی است منقضی شده و در اطراف مسیو مولیتر یک حرفاشی گفته میشود که افکار مردم متوجه بعدم تجدید کنترات او شده است از اینجهه از آفای وزیر پست و تلگراف سؤال می‌کنم آیا میشود تینین بفرمایند کچه وقت لایه تجدید کنترات اورا به مجلس خواهد آورد

وزیر پست و تلگراف در این مدت چهل

و دو سه روزی که بندۀ متصدی کار شده‌ام بدون اینکه خود نمائی کرده باشم برای انتظام امور پستخانه خیلی زحمت کشیده‌ام وقتی که وارد اداره پستخانه شدم آن اداره را بطوریکه آرزومند بودم نمیدیدم و یک نفاقه‌ای بین اجزا و مدیر خودشان موجود بوده، بندۀ قبل از آنکه داخل در امورات اداری پستخانه بشویم لازم داشتم که بدواً انتظام و دیسیلین اداری را در نظر بگیرم وبعد داخل در کارهای رسمی بشویم و حقیقت از اجزاء اداره پستخانه خیلی منونم برای اینکه روز اولی که برای سرکشی اداره پستخانه رفتم آفایان را خواستم باحضور آنها مذاکراتی کردم و از موافقت آنها بی‌نهایت ممنون شدم که با نظر من مخالفت نکردند و بندۀ همچو از آنها ناراضی نیستم از آنطرف هم اگر بندۀ معتقد باشم و بگویم که مسیو مولیتر آدم خدمت‌گذار و درستی است و هرچه در اطراف ایشان گفته میشود حقیقت ندارد ولی نگرانی که در آن‌تیه برای بندۀ هست این است که روح اقیاد و اطاعت از اعضاء پستخانه نسبت بمولیتر برداشته شده است و مسیو مولیتر دیگر قادر برای نهست که بتواند آن اداره را مرتب کند و لوانیکه به‌ماهی پنجاه تومان هم مقاعد شود که خدمت خود را ادامه دهد بهین نظر بندۀ گمان میکنم که آفایان هم موافقت داشته باشد و مقصود آفایان در عدم تجدید کنترات ایشان حاصل و نگرانی مفهود شود و گمان میکنم دیگر مذاکره در اطراف این مسئله ازومی نداشته باشد

(صحیح است صحیح است)

رئیس — جلسه آتیه روز شنبه —

بقه‌شودوم در قانون شورای عالی معارف

و بقیه شور در لایحه امیازالحق آب گارون

زاینده‌رود و رایورت کمیسیون بودجه راجع

بیر قازی شهری در حق و رته مرحوم

وفاء الدوّل (مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس — **حق‌من‌الملک**

جلسه‌هفتماد و پنجم

صورت مشروح مجلس یوم

شنبه چهارم شهر رجب المرجب

(۱۳۶۰) مطابق (۱۳) برج حوت

(۱۳۰۰) مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب

در تحقیق ریاست آفای مؤمن‌الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم ۵ شنبه (۱۱) برج حوت

را آفای تدین قرائت نمودند

رئیس — نسبت به صورت مجلس ایرانی

هست پاخیر (اظهاری نشد)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد